

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۵۹ شماره ۵۰ تکشماره ۱۰ ریال

در مرحله دوم انتخابات تعداد کمتری شرکت کردند

آیا انحصار طلبان درس میگیرند؟

مرحله دوم انتخابات مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران در حالیکه مردم ۲۳ شهر از شرکت در انتخابات محروم بودند از صبح روز جمعه ۱۹ اردیبهشت ماه در تهران و سایر مراکز استانها و

شهرستانهای کشور برگزار گردید. طبق گزارش خبرنگاران رنجبر که به بیش از ۳۰ حوزه و بیش از ۵۰ صندوق اخذ رای در محلههای جنوبی و جنوب شرقی و غربی و همچنین مرکز و شمال شهر تهران دیدن کرده اند، انتخابات در اکثر نقاط به آرامی و با نظم و ترتیب انجام شده اما با عدم استقبال مردم روبرو گردیده است. بجز چند

نمونه از اعمال نفوذ مسئولین و یا اطرافیان آنها زمینه های تقلب و یا تخلف دیده نشد. با اینکه بر روی میزها لیستهای کوچکی حاوی کاندیداها دیده میشد ولی اکثر خود مردم به همراه لیستهای دستنویس شده و یا چاپی وارد حوزه ها میشدند. اکثر مردم و مسئولین صندوقها میگفتند که استفاده از کارت کنترل کار مردم را راحت کرده است. اما باز هم سرنوشت اکثر مردم زحمتکش که از سواد خواندن بقیه در صفحه ۲

آخرین وداع با مارشال تیتو

روزی پنجشنبه یوگسلاوی با فرزند خلف خود وداع نمود و او را در قلبش بلگراد بخاک سپرد. شهر بلگراد در این روز تعطیل بود و مردم یوگسلاوی که از سراسر کشور برای شرکت در مراسم تشییع جنازه رهبر فقیدشان به این شهر آمده بودند، در دو طرف خیابانها در صفهای چند صد هزار نفری در انتظار ایستادند. تابوت مارشال تیتو در تالار بزرگ مجلس یوگسلاوی در پرچم این کشور پیچیده شده بود و غرق در گل و نوبور بود. جنگندههای نیروی هوایی یوگسلاوی در آسمان بقیه در صفحه ۲

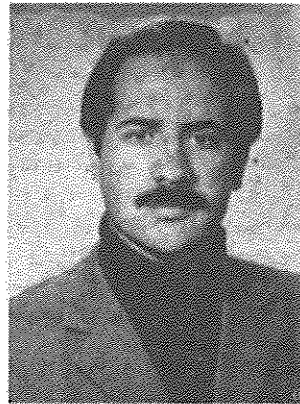
دست آمریکا و روسیه از خلیج فارس کوتاه

دو ابر قدرت جهان خوار آمریکا و شوروی، خلیج فارس، این شاهرگ حیاتی میهن ما و سایر کشورهای هم جوار خلیج را "مناطق حیاتی" خویش اعلام کرده و برای تسلط کامل بر آن به یکدیگر جنگ و دندان نشان میدهند.

کارتز طی نطق در شورای امور جهانی در فیلا دلفیا اعلام کرده که "هرگونه کوشش خارجی برای بدست آوردن کنترل خلیج فارس به معنای حمله به منافع حیاتی آمریکا تلقی خواهد شد و اگر لازم باشد با اقدام نظامی آمریکا روبرو خواهد شد". امپریالیستهای روسی نیز در مقابل، ضمن حمله به کارتز که کلیه مناطق استراتژیک جهان را جزء منافع حیاتی خود قلمداد میکند، حضور روز افزون نظامی خویش در خلیج فارس و آبهای مجاور آنرا توجیه مینماید. حمله نظامی روسیه به افغانستان که نشاندهنده تعرض وسیع و همه جانبه آن بسوی آبهای گرم اقیانوس هند جهت کنترل کامل خلیج فارس است، حلقه مهمی از برنامه عمومی امپریالیسم روسیه برای تسلط بر جهان را تشکیل میدهد. این تهاجم آشکار، رقیب جهانخوار روسیه یعنی امپریالیسم آمریکا را که در تلاش برای حفظ موقعیت جهانی خویش با مشکلات فراوانی دست به گریبان بقیه در صفحه ۲

باید هیئتی به حوادث دانشگاه اهواز رسیدگی کند

مصاحبه با رفیق عباس صابری
عضو کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران



* بار سنگین فاجعه دانشگاه اهواز بر دوش مقامات مسئول است
* تا وقتی که هیئتی به حادثه رسیدگی نکند، هراتار موثی که از سریکنفرکننده شود و هر قطره خونی که از بسینی یکنفر جاری گردد من آنرا ظلم در حق مردم اهواز بشمارمیاورم.

فرستی دست داد تا رفیق عباس صابری عضو کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران درباره علل و چگونگی حوادث دانشگاه اهواز و دستگیریهاو

رنجبر - لطفا قبل از هر چیز در مورد درگیریهای دانشگاه اهواز، علل و چگونگی آن توضیح بدهید.

رفیق صابری - از صبح روز سه شنبه (دوم اردیبهشت) آشکارا روشن بود که دانشجویان طرفدار "سازمان بیگار" و "سازمان" تصمیم خدشان

دولت باید قراردادها را با شرق فاش کند

هواداران حزب رنجبران در آبادان

«هفته نامه پرزگر» زبان مشترک زمینداران بزرگ و بوروکراتهای کهنه کار

در صفحه ۴

وحدت و مفهوم سیاسی آن

در هفته های اخیر، صحبت ها و اقدامات پیرامون وحدت حاکمین و استقرار حاکمیت دولت اوج گرفت. در آستانه دومین مرحله انتخابات و در آستانه تشکیل دولت جدید جمهوری اسلامی، بحثی به ابتکار رئیس جمهور میان جناحهای مختلف درمورد وحدت دامنه زده شده، با این هفته، بدینا اعلام موافقت

وحدت‌دانی زده شد و در پایان هفته، بدنبال اعلام موافقت امام خمینی با سه تقاضای ابوالحسن بنی صدر، قدمی دیگر در راه تحکیم و تثبیت موقعیت دولت برداشته شد.

وحدت ملی و استقرار حاکمیت دولت، دو حلقه کاملاً وابسته به یکدیگرند؛ بدون تحقق یکی تحقق دیگری ممکن نیست. بدین خاطر پیشرفت‌های حاصله در این دوازدهمین در هفته گذشته و قدم‌های مثبتی که در آینده برداشته خواهد شد، عوامل مثبت تکامل اوضاع به شمار می‌روند.

لکن، آزمون این دو حلقه، امر اتحاد ملی تعیین‌کننده است. بنظر ما همان‌طور که همواره گفته‌ایم، ایجاد وسیع‌ترین وحدت کلیه نیروهای ملی علیه دوا بر قدرت و اعمالشان یعنی تحقق اتحاد بزرگ ملی شرط ضروری است. بدون اتحاد بزرگ ملی هیچ‌گونه وحدتی کامل و مستحکم و واقعاً پایدار نخواهد بود. لکن در مقطع زمانی کنونی که مشخصه آن تفرقه و تشدید بی سابقه اختلافات میان جناح‌های مختلف جریانات اسلامی، (یعنی جریان غالب و مسلط سیاسی جامعه) می باشد، وحدت نیروهای اسلامی نقشی کلیدی را ایفا می‌کند. بدون این وحدت، هیچ‌گونه نظم و ثباتی میسر نخواهد بود و جامعه ما به سرعت به سوی پرتگاه سقوط پیش خواهد رفت. درست، احساس همین خطرات است که حاکمین را و در درجه اول رئیس‌جمهور را به جستجوی اشکال تحقق وحدت برای جلوگیری از "اضمحلال دولت" گشوده است. اما در کوشش‌های متعددی که از جانب جناح‌های مختلف صاحب قدرت در این زمینه صورت گرفته، کمی‌بودها و انحرافات گوناگونی به چشم می‌خورد که بدون برطرف کردن آنها امکان تحقق همین وحدت، یعنی وحدت اسلام مبارز، نیسزم ممکن نیست.

الف: برخی از جناح‌ها، (جناح مهندس بازرگان) وحدت را در یک تاکتیک پارلمانی خلاصه کرده‌اند. آنها میکوشند برای پیشبرد اهداف خود یک جبهه ضد انحصار طلبی، که در آن حتی مسلمان‌نماهای شرق گرا شرکت داشته باشند، تشکیل دهند. گویا اینکه خواست مبارزه علیه انحصار طلبی که در هفته‌های اخیر بدترین ضربات را به جمهوری اسلامی و وحدت ملی وارد آورد، خواست بحق و مردم پسندی است، لکن خطا است اگر تصور شود، صرف توافق بر سر یک مخالفت قادر است پایه محکمی برای یک وحدت قرار بگیرد.

ب: برخی دیگر، در این میان میدان جدیدی برای جولان انحصار طلبی مزمین و خودیافتند. آنها در هفته اخیر قدم دیگری در فرقه گرائی به پیش برداشتن و بخشی از نیروهای ملی را (جناح بازرگان) صراحتاً در جبهه ضد انقلاب قرار دادند و تقاضای تصفیه نخستین نخست وزیر جمهوری اسلامی را از شورای انقلاب نمودند! آنها به مردمی که در نخستین دور انتخابات یک و نیم ملیون رای به سود بازرگان به صندوق ریختند، با ردیگردهن کجی کردند و نشان دادند که وحدت و شعار "همه با هم" برای شان معنی دیگری جز "همه با من" نمیدهد.

ج: بالاخره، جناح رئیس‌جمهور طرح وحدت سه جناح اسلامی را که جناح "التقاطی" را نیز در بر میگیرد ارائه داد. بنظر می‌رسد که طرح ابوالحسن بنی صدر از همه وحدت طلبانه تر است. لکن این طرح نیز مسئله اصلی وحدت را که مضمون سیاسی آن است در برده ابهام باقی میگذارد. آنچه اساسی است، نه ترکیب اجتماعی گروه‌های شرکت‌کننده در وحدت (روشنفکر، سنتی، التقاطی) بلکه مضمون سیاسی این وحدت است. وحدت تنها زمانی پایدار خواهد ماند که مضمون سیاسی آن، سه اصل استقلال (در برابر هر دو ابر قدرت)، آزادی و عدالت اجتماعی را در بر بگیرد. خواست رئیس‌جمهور به وحدت با سایر

بقیه در صفحه ۶

در آبادان

انحصار طلبان و چپ‌نماها، بیگانه با خواسته‌های زحمتکشان

هواداران حزب رنجبران ایران آبادان بمناسبت حوادث اخیر خوزستان اعلامیه‌ای منتشر نمودند که ما در زیر بخش‌هایی از آنرا نقل می‌کنیم:

بحران بیکاری، بالا رفتن نرخ هزینه‌های زندگی و خوار و روبرو کردن اقتصاد که بخش عظیمی از آن ارثیه سیستم سرمایه‌داری وابسته با میریالیسم رژیم گذشته و بخش دیگری حاصل بی‌توجهی و بی‌برنامه‌گی دولت در امر تولید و هرج و مرج سیاسی یکسال پس از انقلاب میباشد در آخرین روزهای سال گذشته و اولین روزهای سال جاری حوادث و اتفاقات خونین و دردناکی در گوشه و کنار مملکت ما آفریده است. بخصوص بحران بیکاری هر روز با بعد گسترده تر و خطرناک‌تری مییابد

دردرون جامعه در برخورد به این خواسته‌ها مردم ما با دوجریان متفاوت روبرو بوده‌اند. اول جریان انحصار طلبی و دوم جریان چپ‌نماها و انقلابی‌نماها.

انحصار طلبان که از بالا بخواسته‌های اولیه مردم برخورد میکنند این خواسته‌ها را با نظر حقارت می‌نگرند و در زمین مسائلی بیکاری و اخراج کارگران طرف سرمایه‌داران و در زمین زمین و دهقانان طرف فئودالهای بزرگ را می‌گیرند و بیشتر بدان

۳۳ مرد می‌سرسند که آیا امضای اینهمه قرارداد با شرق

زیر پا گذاشتن شعار نه شرقی، نه غربی نیست؟

در صفحه ۵

مسئولین دولتی پاسخ دهند

خرید مهمات از روسیه برای چیست

روزنامه "اطلاعات" روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه در صفحه اول با تیتردرشت از قول قطب زاده نوشت: "امکان دارد ایران از شوروی مهمات بخرد". البته متن مصاحبه با تیتراژ هم‌هنگی ندارد، چه آقای قطب زاده در پاسخ به سؤال مربوط به تجهیزات ارتش گفته است: نه می‌توانیم سیستم آمریکائی را عملاً نگهداریم و نه می‌توانیم یکباره عوض کنیم و سیستم روسی را برای خود درست کنیم، و مصاحبه کننده روزنامه "بنیاد مستضعفان" گویا بنا به وظیفه "انترناسیونالیستی" خود از ایشان بزور آرا گرفته که: پس امکان این هست که ایران از شوروی اسلحه بخرد... اما بهر حال اظهارات وزیر امور خارجه در مورد امکان خرید مهمات از شوروی اهمیت دارد. چون مدتی است که مقامات دولتی درباره مقوله نامه‌ها و قراردادها با شوروی و بلوک شرق سکوت کرده‌اند، با آنکه بروشنی پیدا است که پشت درهای بسته سیاست چیزهایی

گفته‌اند که حمل تانکها را از مرز جلفا، خود مشاهده کرده‌اند. اما این خبر در جرائد منعکس نشد. ما بطور جدی از دولت جمهوری اسلامی سؤال می‌کنیم که چرا اخبار مربوط به این قراردادها و معاملات با شوروی و اقدامات بطور کامل در اختیار مردم و نیروهای سیاسی قرار نمی‌گیرد؟ چرا ابعاد این روابط مخفی نگه داشته میشود؟ آیا خرید تجهیزات و مهمات نظامی درست است؟

در شرایط کنونی جا دارد که مردم ما سخت‌نگران باشند که اسلحه و مهمات روسی برای چیست. زیرا سر نوشت مصر،

کوبا و ویتنام را اگر نخواهیم بیاد آوریم، سرنوشته افغانستان پیش روی ما است. آنچه مسلم است اینکه با وابستگی نظامی به روسیه امکان دفاع از استقلال و تمامیت ارضی میهن ما میسر نخواهد بود. پس مسئولین دولتی پاسخ دهند که قضیه چیست؟

شعرا و قبضه کردن کارها در دست خود مشغول بوده و حتی در بسیاری

موارد زمانی که توده‌های مردم برای خواسته‌های خود به تظاهرات و تحصن دست می‌زنند با سرکوب می‌خواهند به حل مسئله بپردازند

بقیه در صفحه ۶

پیشکام تصمیم خودشان را گرفته‌اند و قصد دارند به دلیل عدم تخلیه دفاتر و مراکزشان در دانشگاه به مقابله ورود رجوی با کسانی که به دانشگاه حمله میکنند بپردازند. البته میان خودشان نیز اختلاف وجود داشت و برخی از دانشجویان خواهان ترک دانشگاه و تحویل دفاتر به مسئولین دانشگاه بودند ولی برجسب‌های "سازشکار" ترسو، "خائن" و از این قبیل مانع آن میشد که نظرات و راه‌حلهای درست مطرح و مورد قبول قرار گیرند. سرکرده‌های این دانشجویان نتوانستند بفهمند (و در واقع نتوانستند بفهمند) که ماجرا از چه قرار است و هر چه بیشتر با صلاح "مقاومت" کنند و "چپ" تر بزنند، مجری‌فغان برنامه انحصار طلبان میگردند و این باصلاح مقاومت آنها تولید کننده هرج و مرجی است که نه تنها بزبان جنبش دانشجویی بلکه بزبان کل جنبش انقلابی مردم ایران نیز هست.

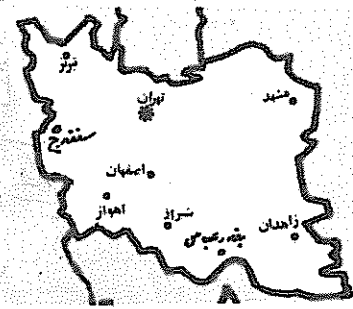
بهر صورت در چنین وضعیتی دعوت به برگزاری "نماز وحدت" در دانشگاه اهواز شده بود. از اینجاست که دیگر مسئله از ابعاد خودش خارج میگردد و با حوادث ساعات بعد تبدیل به فاجعه میشود.

بعقیده من دست‌هایی در کار بودند که در گریبای خونین دانشگاه اهواز بوجود آمد و بصراحت باید بگویم که با رسیدن این فاجعه بردوش مقامات و افرادی است که در اهواز دارای مسئولیت هستند ولی لیاقت این مسئولیت را ندارند.

من از این آقایان سؤال می‌کنم شاکه به دانشگاه رفتید و مشاهده کردید که دفاتر و ستادهای گروه‌های سیاسی تخلیه نشده‌اند، چرا همان موقع مردم را مطلع نکردید؟ شما که دیدید دانشجویان در محوطه دانشگاه تجمع کرده و حاضر به تخلیه دفاتر نیستند آیا میدانستید درگیری قطعاً بوجود خواهد آمد؟ اگر نمی‌دانستید پس چرا در چنین وضعیت حساس و بحرانی عهده‌دار مسئولیت، آنهم در استان خوزستان شده‌اید؟ و اگر میدانستید پس چرا همان موقع از قوای انتظامی (یا از سپاه پاسداران) نخواستید که بیایند و بین دانشجویان و مردم برگزارکننده نماز قرار بگیرند هر دو طرف (هم مردم و هم دانشجویان) را دعوت بترک محل و جلوگیری از تصادم نمایند؟ آیا شما مقامات و افراد مسئول نمیتوانستید قبل از وقوع درگیری بوسیله رادیو اهواز مردم را در جریان امور قرار دهید و آنها را دعوت کنید که برای

بقیه در صفحه ۲

گزارشات شهرستانها



حمله چماق داران به هواداران حزب رنجبران در شیراز

عده‌ای از عوامل ضد انقلاب به هواداران حزب رنجبران در شیراز حمله کردند و تعدادی از هواداران حزب را بشدت مجروح ساختند. این عده که در حدود ده نفر میباشند به هواداران حزب رنجبران شیراز زمانیکه مشغول چسباندن آفیش‌های اول ماه مه بودند با چاقو و قمه و چماق حمله کردند و سر سه تن از هواداران حزب را شکستند. این عوامل ضد انقلاب که سازماندهی شده‌اند آزادانه در سطح شهر به اقدامات تروریستی دست میزنند. در روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت نیز با چاقو قصد حمله به هواداران حزب رنجبران را میکنند که با مقاومت دلیرانه هواداران حزب در شیراز و جانبداری مردم از این رفقا مواجهه میشوند و عقب نشینی میکنند.

ما یکبار دیگر از مقامات مسئول میخواهیم که در ایجاد نظام نقلایی و پاسداری از حقوق فردی و اجتماعی گروه‌ها و سازمانهای استقلال طلب کوشش نمایند.

گفتگو با یکی از اعضای سپاه پاسداران شیراز

شیراز - ۱ اردیبهشت - خبرنگار حزب رنجبران ایران بخش فارسی مصاحبه‌ای که با یکی از اعضای سپاه پاسداران به عمل آورد و جویای نظرات این سپاه در مورد درگیریهای اخیر دانشگاه شیراز شد.

رنجبر: به نظر شما علت اصلی درگیریهای اخیر چه بود؟
- اولین و مهمترین علتی که باعث درگیریهای اخیر شد انحصار طلبی گروههای چپ نما بود. یکی دیگر از اشتباهات چپ نماها این بود که با اعتقادات و مقدسات مردم بی احترامی کردند که بعنوان مثال عکس امام را پاره کردند.

رنجبر: آیا عمل مردم به نفع انقلاب بود یا نه؟
- من معتقدم که مردم بخاطر دفاع از مکتب اسلام، دفاع از استقلال کشور مبارزه کردن بر علیه امپریالیسم دست به هرکاری میزنند. من معتقدم که اگر گروههای سیاسی چپ نما بیایند و خط مشی خود را تغییر دهند و مساله دشمن بودن شرق را مطرح کنند و استقلال ایران را هدف قرار دهند، مردم با آغوش باز از آنها استقبال خواهند کرد.

رنجبر: سپاه پاسداران در این درگیری چه نقشی داشت؟
- سپاه پاسداران در این میان نقش بی طرف را ارائه داد تا جایی که حتی اسلحه را از دست بچه‌های سپاه گرفت. در درگیریها سر چند تن از بچه‌های سپاه را شکسته بودند.

در مرحله

نوشتن محروم بودند، در دست افرادی بود که در حوض حوزه‌ها ایستاده بودند و بر روی کا رتها علامت گذاری میکردند.

بعضی از زحمتکشسان بیسواد لیست کا ندیدها را با خود به همراه داشتند که از روزهای قبل به منزل آنها پخش شده و یا از معتمدین محلی گرفته بودند. با بعضی از آنها صحبت می کنیم و دلیل شرکت در انتخابات را می پرسیم. می گویند که: " چون امام گفته است، شرکت کرده ایم."

عده‌ای از مردم در مرحله‌های جنوبی و مرکز شهر از میان لیستهای مختلف، لیست جدیدی را به انتخاب خود تهیه می‌کردند. بطوریکه چند نفر از لیست ائتلاف بزرگ را با کا ندیدهای دفتر هماهنگی ولیست هم نام را مشترکا می نوشتند و علیرغم دعواهای تنگ نظرانه گروهی جناحهای سیاسی، بیانگر تمایل وحدت بزرگ در بین مردم و آگاهی آنها بود که با ایداز آن بخوبی آموخت.

بعضی از مردم که چند نفر از لیست ائتلاف بزرگ را به همراه لیست هم نام و غیره بصندوق می انداختند صحبت می کنیم و نظر آنها را در مورد پیشنهاد آقای بازگان مبنی بر رای دادن به آقای مسعود رجوی می پرسیم. جواب می دهند که: " آقای بازگان و افراد لیست هم نام را قبول داریم ولی این نظر خود آقای بازگان است."

در مجموع شرکت مردم در مرحله دوم با مقایسه با انتخابات دوره اول کم شده است و شور و شوق مردم هم پائین بود. چند نمونه می آوریم: - حوزه‌های خیا بمان جوادیه در دوره اول پر از جمعیت بود و صف طویلی در بیرون از در ورودی آن کشیده شده بود. اما در دوره دوم تقریباً در همان ساعات چندان شلوغ نبود و صفی هم در جلوی در وجود نداشت. مسئولین این حوزه

جمعا حدود ۹۵۰ رای در صندوقها ریخته شده است.

- حوزه مستقر در مسجد امام حسین واقع در میدان امام حسین که دارای ۱۰ صندوق اخذ رای بودند نسبت به دوره اول تقریباً خلوت بود و در ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر آن صفوف فشرده دوره اول دیده نمی شد. نمونه‌های زیادی در این زمینه موجود است که همگی از عدم شرکت وسیع مردم در انتخابات دوره دوم سخن می گویند.

چرا مردم استقبال نکردند؟

آیا توده‌های وسیع مردم که با شور و شوق زاید الوصفی در فراندن جمهوری اسلامی، قانون اساسی و یاریا ست جمهوری و غیره شرکت میکردند و علیرغم کلیه توطئه‌های دشمنان انقلاب، با اراده‌ای آهنین ایستادگی میکردند و با مشت‌های گره کرده تنها پشتمان استوار این انقلاب بودند، چرا این بار علاقه چندانی به انتخابات نشان نداده‌اند؟

چرا در صد شرکت مردم در رای گیری‌ها از ابتدا تا کنون سیر نزولی را طی میکند؟ آیا این مردم شیردل و قهرمان که برای سرنگون کردن رژیم محمدرضا مخلوع و کوتاه کردن دست امپریالیسم آمریکا جان خود را گذاشتند، از ادامه مبارزه خسته شده‌اند و خواستار حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب نیستند؟ البته که خیر!

عدم استقبال وسیع مردم در مرحله دوم انتخابات رنگ خفرتی برای احزاب و گروههای میباشند که در طول ۱۵ ماه اخیر از اراده مردم درس نگرفتند و بدون توجه به شور و شوق انقلابی و خواست عمیق وحدت طلبانه مردم، منافع گروهی و انحصار طلبانه خود را بر منافع عمومی آنها ترجیح داده‌اند. احزاب و گروههای که حاضر به حرکت از اراده و منافع مردم نیستند و سعی میکنند باز دو بندهای سیاسی

دست آمریکا

است، سراسیمه نموده، عکس العمل امپریالیسم آمریکا، گسیل نیروهای دریایی و تقویت پایگاههای خویش در منطقه بود. امپریالیسم روس نیز به بهانه حضور نظامی آمریکا در دهانه خلیج فارس بنویه خود کشتی‌های جنگی خود را به آبهای مجاور خلیج روانه نمود، بطوریکه امروز بخش مهمی از نیروی دریایی دو ابر قدرت در این بخش از آبهای جهان متمرکز گشته‌اند.

اکنون این دو ابر قدرت در برابر هم صف آرایی نموده‌اند، و هر دوی آنها این بخش از جهان را جزء مناطق حیاتی خویش فرض میکنند و هر یک دیگری را متهم به نقض استقلال کشورهای منطقه و ایجاد خطر برای صلح جهانی (یعنی برای منافع رقیب) میکنند. هدف هر یک از آنها بیرون راندن دیگری از صحنه و تسلط بر منطقه است و اکنون علنا تهدید میکنند که در این راه حاضرند به مقابله نظامی با یکدیگر نیز مبادرت ورزند.

بدین ترتیب، حضور روز افزون این دو غول جنگ افروز در حیاتی ترین منطقه جغرافیایی کشور ما و سایر کشورهای منطقه نه تنها به خطر بزرگی برای استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی آنها تبدیل گشته است بلکه خطر جنگ افروزی آنان در منطقه نیز بشدت افزایش یافته و عامل اصلی اغتشاش و عدم ثبات در منطقه است.

با این خطر بزرگ چگونه باید مواجه گشت؟

دروغله نخست هرگز نباید فراموش کرد که استقلال و تمامیت ارضی ایران و کشورهای منطقه تنها توسط امپریالیسم آمریکا بلکه همچنین توسط سوسیال امپریالیسم شوروی یعنی از جانب هر دو ابر قدرت مورد تهدید قرار گرفته است. متأسفانه، اخیراً دیده میشود که جناحهایی از هیئت حاکمه این مساله را بکلی فراموش کرده‌اند. آنها در همه جا

آخرین وداع

بلگراد بیروز درآمدند و ۸۷ تیر توپ بنشانه سالهای زندگی مارشال تیتو در فضای شهر طنین افکنده شد. خلق یوگسلاوی بدینسان از فرزند و رهبر خود قدر دانی نمود. رهبری که در پیوندی مستحکم با مردم میبانش آنان را متحداً در راه سر بلند رهایی میهن از قید تجاوزکاران بیگانه و حفظ استقلال کشور بجلو رهبری

دست آمریکا فقط آمریکا رامیبیندند و حتی گروههای چپ نما آشکارا متقابل و وابسته به روسیه (مانند رهبری چریکهای فدایی خلق) را نیز عامل آمریکا قلمداد میکنند! این فروکش کردن هشاری در برابر خطر ابر قدرت شوروی خطر بزرگی را برای جمهوری اسلامی ایران تشکیل میدهد.

عمال سوسیال امپریالیسم شوروی در ایران یعنی یاند کیانوری نیز درست همین توهم را دامن میزنند و میکوشند و انمود سازند که هیچ خطری جز خطر آمریکا متوجه ما نیست. آنها با یک برنامه حساب شده، به یک تبلیغات توخالی ضد آمریکایی که هدفش تنها و تنها ایجاد تشویش در اذهان - و نه بالا بردن هشاری در برابر آمریکا است، دامن میزنند و بموازات آن برنامه "دوست یابی" خود یعنی متحد شدن با شوروی را فعالانه تبلیغ میکنند.

دروغله دوم، نباید فراموش کرد که تجاوزات دو ابر قدرت نه تنها ایران را بلکه کشورهای دیگر منطقه را نیز مورد تهدید قرار میدهد و بنابر این جمهوری اسلامی میتواند و باید با کشورهای که در مقابل با تهدید دو ابر قدرت با ما دارای منافع مشترک اند، متحد شود. سیاست انقلابی نمایانه حمله به کلیه کشورهای منطقه و همه آنها را وابسته به آمریکا خواندن به زبان جبهه متحد ضد دو ابر قدرت است، برعکس، تجارب مثبت مانند سفر اخیر وزیر امور خارجه به کشورهای منطقه در جهت تحکیم وحدت ضد دو ابر قدرت نشان میدهد که پیشبرد یک سیاست اصولی جبهه واحدی در سطح منطقه بسود استقلال جمهوری اسلامی ایران می باشد.

با کلیه نیروهای هوادار استقلال و مخالف سیادت طلبی و جنگ افروزی دو ابر قدرت در منطقه متحد شویم، خلقهای کشورهای مختلف منطقه را بسپح نمایند و دست آمریکا و روسیه را از خلیج فارس کوتاه کنیم.

هواکرافنگ رهبر جمهوری خلق چین، یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین، ضیا الحق رئیس جمهور پاکستان، صادق قطب زاده وزیر امور خارجه ایران، خانم ایندیرا گاندی نخست وزیر هند، سلیمان دمیرل نخست وزیر ترکیه، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه و شخصیت های دیگری از کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکایی جنوبی در این مراسم شرکت کردند. جنازه مارشال تیتو با حضور بیش

غیرمذهبی استقلال طلب میتوانند در این مملکت فعالیت کنند؟

ما معتقدیم که تمام گروههای سیاسی که روی خط استقلال طلبانه هستند، میتوانند فعالیت کنند. هرکس از هر گروهی و دسته‌ای بخواهد توطئه کند ما آنرا محکوم میکنیم و با او مبارزه میکنیم.

توطئه‌های رژیم عراق محکوم است

اعلامیه هواداران حزب رنجبران ایران، (آبادان - خرمشهر) در رابطه با توطئه‌ها و تجاوزات رژیم فاشیستی عراق منتشر شد که در قسمت‌هایی از آن آمده است:

"مدتی است دستهای پلیس و جتایکاری که در تاسیسات نفتی و یا مراکز صنعتی به بمب‌گذاری مشغول بودند اهداف خائنانانه خود را متوجه کشتار مردم غیور خوزستان و بخصوص آبادان نموده‌اند.

انفجار بمب در بازار کویتی‌های آبادان و اخیرا انفجار بمبی در جلوی سینما سهیلا که منجر به شهید شدن ۶ نفر، زخمی گردیدن ۲۸ نفر دیگر گردید، خائنانانه‌های بسیاری را داغدار کرده است.....

مزدوران رژیم بعثی مدام حسین تکریتی نماینده سرمایه‌داری دولتی عراق یکی از مهمترین عوامل این تخریب و جنایات هستند.

هموطنان غیور آبادانی: اینگونه اعمال با ید هوشیاری ما را بالا ببرد و صفوف متحد ما را برای ادامه انقلاب و نابودی دو ابرقدرت آمریکا و روسیه و نوکران و مزدوران داخلی آنها فشرده‌تر سازد..... رژیم بعثی عراق که دست به اینگونه اعمال میزند تنها از هوشیاری توده‌ها وحشت دارند زیرا توده‌ها گورکنان واقعی آنها هستند."

تلگرام هواداران حزب

رنجبران ایران در هندوستان بمناسبت سالگرد شهادت رفقا

بمناسبت چهارمین سالگرد شهادت رفقا خسرو صفایی، گرسوز برومند و تقی سلیمانی تلگرامی از جانب هواداران حزب رنجبران ایران در هندوستان برای "رنجبر" ارسال شده است. هواداران حزب رنجبران ایران در هندوستان نشریه‌ای بنام "ندای خلق" منتشر میکنند.

متن تلگرام این رفقا چنین است:

یاد سه رفیق همیشه در خاطره ما زنده است. باشد که حزب ادامه دهنده راستین راهشان باد.

هواداران حزب رنجبران ایران در هند
ندای خلق

نیازها تین بودن شرکت مردم صحبت می کردند.

حوزه مستقر در مسجد امام خمینی واقع در بازار نسبت به دوره اول خلوت بود و عده محدودی به نوشتن کارتها مشغول بودند.

بگفته مسئولین حوزه مستقر در فروشگاه مرکزی واقع در خیابان امام خمینی (سپه سابق) شرکت مردم در این دوره به نصف رسیده است. در دوره قبل جمعیت زیادی تا بیرون پله ها صف کشیده بودند. بگفته یکی از مسئولین این حوزه در دوره اول تا ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر ۲ صندوق اخذ می کردند و در دوره دوم در ساعت ۴ بعد از ظهر

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری

مدیر مسئول: علی حجت

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال

خیابان رامسر کوچه آراسه شماره ۱۷

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۴۱۴-۱۶۰۱ منطقه پستی ۱۵

تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ صورت

ما را در رفع

مشکلات مالی

یاری کنید

کک های خود را

به حساب بانکی زیر واریز نمایید:

بانک ملی ایران

شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۴۵۲۶۸

به موقعیت دست یا بند. برآستی که مردم ما خسته شده اند ولی نه از ادامه مبارزه و تحکیم دستاوردهای انقلاب بلکه از دوبندهای سیاسی، انحمارطلبی و هرج و مرج موجود خسته شده اند.

آیا زمان آن نرسیده است که احزاب و گروههای مختلف از این روند درس بگیرند؟ آیا آنهایی که دلشان برای استقلال ایران می تپد از طرفی فقر و گرسنگی و نارضایتی موجود در جامعه را لمس میکنند نباید کمی بخود آیند و سیاست های گروهی گرایانه و شیوه های سیاست بازی را کنار بگذارند و بمنافع تمام خلق و میهن بیندیشند؟

باید هیتی

روشن شدن وضعیت و تصمیم گیری به محل دیگری غیر از دانشگاه (مثلا به حسینیه اعظم) بیایند تا در آنجا با کک و همفکری مردم و اولیا و دوستان و آشنایان همان دانشجویان به چاره جویی میپرداختید؟ و بالاخره آیا شما نمیدانستید بخش آن اطلاعاتی از راه بیواهواز با آن لحن تحریک آمیز و برای باصطلاح "مقابله با ضد انقلاب در دانشگاه اهواز" باعث خواهد شد که مردم به دانشگاه آمده و بخیال اینکه بانبروهای ضد انقلاب روبرو هستند به مقابله قهرآمیز با دانشجویان بپردازند؟

آقایان مقامات و افراد مسئول! این هنرنیست که تضادی را که در درون نیروهای خلق است به تضاد بین خلق و دشمن تبدیل کنید. این هنرنیست که از احساسات و اعتماد مردم نسبت به انقلاب اسلامی ایران بهره‌ری امام خمینی سوء استفاده کنید و مردم را رودر روی فرزندان دانشجویان قرار دهید. تاریخ این اقدام غیرعادلانه را که متأسفانه بقیمت خون تعدادی از مردم ماتمام شد، به پای شما مینویسد.

مسئله دانشگاه اهواز یک مسئله در درون خلق بود و راه حل آن نیز راه‌حلی مردمی و مسالمت آمیز بود نه راه حل توسل به خشونت و قهر. در جریان حمله به دانشگاه اهواز که مایکروز قبل از این حادثه طی اعلامیه‌های هرگونه حمله به دانشگاه را محکوم کرده بودیم - حوادث نفرت انگیز و شرم آوری رخ داد. تعداد

مارشال تیتو قهرمان ملی یوگسلاوی یک شخصیت استقلال خواه جهانی بود و با مرگ وی کشورها و خلق های جهان نیز در غم فرو رفتند. به نشانه ادای احترام به این بزرگ مرد جنبش استقلال طلبانه کشورهای جهان سوم، رهبران و شخصیت‌های برجسته‌ای از کشورهای جهان سوم در مراسم تدفین شرکت نموده و بر اصالت جنبش غیر متعده‌ها، ارضیه گرانبهای مارشال تیتو صحه گذارند.

زیادی از زنان و دختران را وحشیانه مضروب ساختند و با آنان اعمال بیشرمانه نمودند.

آیا وجدان شما در عذاب نخواهد بود اگر بشنوید یا ببینید که دختر شما و همسر شما رامضروب میکنند، پیراهنشان را پاره میکنند و با دمنش پیکر عریان را زیر ضربات مشت و لگد و جوب و چماق میگیرند؟ شما کاری کردید که افراد فرامایه و دغ‌لکار بسیاری تحت عنوان باصطلاح مبارزه با ضد انقلاب و کمونیسم به انتقامگیری شخصی پرداختند و تصفیه حساب نمودند. شرم باید کرد!

رنجبر - نظراتان در مورد دستگیر شدگان، محاکمه افراد و تیرباران دو نفر از دستگیر شدگان چیست؟

در جریان درگیری خونین دانشگاه اهواز تعداد زیادی دستگیر شدند. پنجم رفتار با دستگیر شدگان بسیار توهین آمیز و ظالمانه بوده است. چند بار در زندانها آنها را مورد حمله قرار داده و مضروب کرده‌اند که حتی به شهادت چند نفر از آنان منجر شد. یکبار دیگر گویا تصادفا گلوله‌ای از اسلحه نگهبان شلیک میشود و یک دختر را به شهادت میرساند.

من عمیقاً نگران سلامت و زندگی آنها هستم. در اطراف "دادگاه انقلاب اسلامی اهواز" سایر مراکز بازداشت، دارو دسته‌های غیر مسئول و چماق‌دار، روز روشن و جلوی چشم همه به هتاک و فحاشی علیه خانواده های زندانیان و حتی بضر و جرح آنان پرداخته‌اند و هیچ مقام مسئولی هم پیدا نمیشود که این دارو دسته‌ها را که باعث ناامنی و وحشت مردم شده‌اند و حتی در مقابل "دادگاه انقلاب اسلامی" عملیات ضد قانونی انجام میدهند و علنا مرتکب جرم میگردند، بازداشت کند، گوشمالی دهد و به‌سزای اعمال غیر قانونی و توطئه‌گرانه‌شان برسانند. من در اینجا بار دیگر تاکید میکنم و قاطعانه از مسئولین امور میخواهیم

از ۲۰۰ تن از روسا و نمایندگان دستور های جهان و در میان آندوه عمیق مردم یوگسلاوی در طی یک مراسم با شکوهی توسط یک ازابه جنگی حالیکه نیروهای مسلح ارتش یوگسلاوی آنرا مشایعت مینمودند از محل مجلس به موزه ۲۵ مه بلغراد حمل شده و در آنجا بخاک سپرده شد. کشور یوگسلاوی و سایر کشورهای غیر متعهد مطمئناً پاسداران خوبی در حفظ و حراست از ارضیه گرانبهای مارشال تیتو خواهند بود.

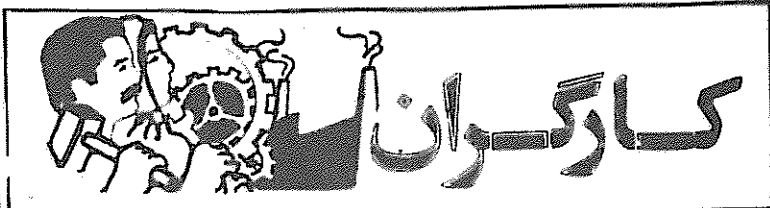
که هر چه زودتر به گستاخی و خودسری این دارو دسته‌های چماق‌دار خاتمه دهند.

علاوه بر این من در نامه سرگشاده‌ام به آقای بنی صدر از ایشان مصرانه خواسته بودم که دستور دهند هیچ حکم اعدای در مورد بازداشت شدگان صادر و اجرا نگردد، زیرا احکامی که در این شرایط صادر میگردند، بهیچوجه عادلانه نیستند. متأسفانه چند روز پس از ارسال این نامه، دو نفر از آنان تیرباران کردند. طرفداران حزب ما در دزد قول و اندیمنک طی اعلامیه‌ای به صدور و اجرای این حکم شدیداً اعتراض کردند. من نیز شدیداً معترض هستم. و آن احکام را باطل میدانم.

در اینجا دهها جنایت صورت گرفته، عمل منافی عفت، هتک حرمت و تجاوز به ناموس انجام گرفته و تا وقتی که هیتی برای رسیدگی همه جانبه در مورد حادثه دانشگاه اهواز باینجا نیایند و عاملین واقعی آنرا ب مردم معرفی نکنند، هر تار مویی که از سر یک نفر کنده شود، هر قطره خونی که از بینی یک نفر جاری شود، من آنرا ظلم در حق مردم اهواز بشمار میآورم.

رنجبر - در مورد مایقی دستگیر شدگان چه باید کرد؟

اعتقاد دارم اکثریت قریب به اتفاق آنان باید بلافاصله آزاد شوند تعداد بسیار معدود و اندکی که باقی میمانند و تحقیقات از آنان به‌زمان بیشتری نیاز دارد. این تحقیقات باید با حضور هیئتی از طرف رئیس جمهوری و بدوراز تعصبات و غرض و رزیه‌ها انجام گیرد. باید هر چه زودتر هیئتی از طرف رئیس جمهوری به اهواز اعزام گردد، و تا وقتی که این هیئت با اهواز نیامده تحقیقات همه جانبه انجام نگرفته، رسماً اعلام شود که هیچ حکم اعدای در مورد دستگیر شدگان صادر و اجرا نمیگردد.



کارگران متشکل

سد محکمی در مقابل اخراج

چندی است بیکاری بطور غیرقابل انکاری در کشور ما تشدید یافته. کارگران با سابقه طولانی کار، بدون هیچ تائینی در مقابل خطر بیکاری و هزاران مشکل دیگر قرار دارند. این کارگران باریج فراوان، در شرایط خطرناک و ناامن تمام نعمات زندگی را تولید میکنند حال آنکه خود از آنها بهره‌ای نمیبرند. آنها که برای گذران زندگی بجز فروش نیروی کار هیچگونه تائینی ندارند، بیشترین رنج را از بیکاری میبرند. در این شرایط اخراج کارگران نیز به تشدید بحران خدمت میکنند این امر متباً "توده وسیع زحمتکشان بیکار را گسترده‌تر میسازد.

دربزرگ‌زاشی داریم از مصاحبه؟ خبرنگار "رنجبر" در شیراز با کارگران اخراجی. یکی از آنها در حالیکه به همراهانش اشاره میکرد گفت: "من و این دونفر کارگر کارخانه "یک ویک" نزدیک شیراز بودیم. مدت یکسال است که ما هارا بیرون کرده‌اند و هر کدام از ما از ده سال تا دوماه سابقه کار داریم در مدت این یکسال بیکاری، خرجی خودمان و خانواده هایمان را از مغازه‌دار و فامیلیها قرض کرده‌ایم. ولی حالا دیگر نمیخواهیم پول مردم را بخوریم و نتوانیم بهشان پس بدهیم. به هر کجا شکایت کردیم فایده نداشت. توی این مملکت هیچ کس به ما اهمیت ندهد، نه دادگاه انقلاب، تازه وقتی حرف دادگاه انقلاب را نخوانند شورا چه کاره است؟ اگر به مایک نامه بدهند، خودمان میرویم حقم را با چوب وداس و چماق هم که شده می‌گیریم. ما هارا با سابقه کار طولانی بیرون میکنند. آنوقت به کسانی که ۴۰۰ هزار تومان هم دزدیده‌اند پست های مهم میدهند که ما باید پیش آنها برویم و از آنها دادخواهی کنیم. ما انقلاب کردیم، ما کشته دادیم حالا ما را اخراج میکنند. من حتی پول برگشتن هم ندارم. یکسال آژگار است که میام و دست از یاد از تر بر میگردد. دیگر حاضر نیستم بی فایده پول کرایه بدهم."

کارگر دیگری میگفت: "هفت ماه پیش در شرکت "ایران بتون" کار میکردم. شرکت را آتش زدند و من بیکار شدم. من تیریزی هستم. زن و بچه‌ام را در شیراز گذاشتم و برای کار به تبریز رفتم. حالا که برگشتم میبینم شرکت راه افتاده و من بیکار شدم. وقتی کارخواستم گفتند که تو استعفا داده‌ای. کارفرما با شهادت و همکاری نمایندگان کارگران یک استعفا جعلی درست کردند و به من گفتند این فیش بانکی و برگ حقوقی است. حالا میگویند که آن برگ ۱۰۰۰۰ تومان پاداش و استعفا توبوده. هر چه میگویم از نمونه هایی که در بالا آمد چند مورد از هزاران موردی است که هر روز در کشورمان رخ میدهد در این شرایط کارفرمایان با پشتگرمی قوانین طاغوتی، بدون هیچ آبایی به اخراج کارگران می‌پردازند. به احتیاجات کارگران هیچ گونه توجهی نمیشود. در واقع، کارگران فقط خود میتوانند با مشکل حقوق خود را دریافت دارند. آنها باید در سندیکاها و یا شوراهای کارگری خود مشکل شوند و در این شکل ها علیه اخراج ها و محدودیت های استخدامی و بیمتور کسب امکانات رفاهی از قبیل مسکن، بیمه و بهداشت، بیمه بیکاری و... مبارزه‌ای اصولی رایش برند. این مبارزه هر چند سخت و طولانی است ولی امری اجتناب ناپذیر و پیروزی آواراست.

بیتون " کارمیکردم. شرکت را آتش زدند و من بیکار شدم. من تیریزی هستم. زن و بچه‌ام را در شیراز گذاشتم و برای کار به تبریز رفتم. حالا که برگشتم میبینم شرکت راه افتاده و من بیکار شدم. وقتی کارخواستم گفتند که تو استعفا داده‌ای. کارفرما با شهادت و همکاری نمایندگان کارگران یک استعفا جعلی درست کردند و به من گفتند این فیش بانکی و برگ حقوقی است. حالا میگویند که آن برگ ۱۰۰۰۰ تومان پاداش و استعفا توبوده. هر چه میگویم از نمونه هایی که در بالا آمد چند مورد از هزاران موردی است که هر روز در کشورمان رخ میدهد در این شرایط کارفرمایان با پشتگرمی قوانین طاغوتی، بدون هیچ آبایی به اخراج کارگران می‌پردازند. به احتیاجات کارگران هیچ گونه توجهی نمیشود. در واقع، کارگران فقط خود میتوانند با مشکل حقوق خود را دریافت دارند. آنها باید در سندیکاها و یا شوراهای کارگری خود مشکل شوند و در این شکل ها علیه اخراج ها و محدودیت های استخدامی و بیمتور کسب امکانات رفاهی از قبیل مسکن، بیمه و بهداشت، بیمه بیکاری و... مبارزه‌ای اصولی رایش برند. این مبارزه هر چند سخت و طولانی است ولی امری اجتناب ناپذیر و پیروزی آواراست.

نامه يك کارگر خباز از آبادان

چرا روز جهانی کارگر از شور و هیجان برخوردار نبود

درباطه با مراسم اول ماه مه در شهر آبادان، یکی از کارگران خباز آبادان برای مانامهای فرستاده که در زیر میخوانید:

سردبیر محترم روزنامه رنجبر- دورد انقلابی ما را بیدار کنید. روز پنجمشبه اول ماه مه روز جهانی کارگر از طرف سندیکای کارگران خبازیهی آبادان مراسم راهپیمایی برگزار شد. در این راهپیمایی مقدار زیادی کارگران شرکت داشتند، آنها با شعارهای "نه شرقی نه غربی" و "پرتوان باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر ایران علیه امپریالیسم شرق و غرب" و درخواست مصرانه از دولت برای رسیدگی به وضع رفاهی کارگران از قبیل مسکن- بیمه - بهداشت راهپیمایی کردند.

قبل از حرکت به هدف پیوند با دیگر کارگران، یکی از کارگران خبازیهی درباره مبارزات کارگران در اول ماه مه ۱۸۸۶ بیاناتی ایراد کرد و کارگران را دعوت به اتحاد و یکپارچگی برای ساختن ایرانی مستقل و آباد نمود و سپس راهپیمایی با شعار "آمریکا دشمن، شوروی دشمن، خمینی رهبر" شروع گردید. شعارهای این راهپیمایی به این قرار بود: استقلال- آزادی جمهوری اسلامی، نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی، ساعت ۱۰/۵ به استادیوم تختی رسیدیم و بقیه کارگران هم به ما پیوستند. امسال روز جهانی کارگر از شور و هیجان زیادی برخوردار نبود چون از یکطرف انحصار طلبی و از طرف دیگر قدرت طلبی اثرات خود را در جنبش کارگری هم گذاشته بود.



کهنه سر:

روستائی در گیلان (۱)

گزارش زیر فشرده‌ای از یک تحقیق و بررسی میباشد که از روستای "کهنه سر" در گیلان بعمل آمده

روستای "کهنه سر" با ۷۲۰ نفر جمعیت (۱۲۰ خانوار)، یکی از روستاهای شهرستان صومعه سرا در استان گیلان است. تنه‌اره ارتباطی این روستا با مرکز شهرستان، یک جاده خاکی ماشین رو بطول ۲ کیلومتر است. مغازه‌های ده، تنها ۳ قهوه‌خانه، یک آرایشگاه با اضافه فروشگاه شرکت تعاونی است. مغازه‌ها به کشاورزان تعلق دارند که همراه کار کشاورزی، مغازه خود را هم می‌گردانند. میزان سرمایه‌مغازه دارها از حد ۲ هزار تومان تجاوز نمی‌کند. فروشنده‌گان دوره‌گرد (پله‌وران) هم هر ۶ ماه یکبار برای فروش جنس به ده می‌آیند.

بهداشت و درمان: روستا فاقد حمام درماتگاه، یزنگ و هرگونه تاسیسات و امکانات درمانی و بهداشتی دیگر است. خدمات بهداشتی روستا، منحصر به مایه کوبی علیه سرخک و آبله بوده است. امکانات آموزشی روستا یک

مدرسه ابتدائی است که در سال ۱۳۴۴ ساخته شده. جوانان ده پس از اتمام تحصیلات ابتدائی برای ادامه تحصیل به خارج ده می‌روند. اینها عموماً از قشرهای مرفه روستائی هستند. از روستائیان فقط ۳ درصد با سوادند که اساساً جوانان ده هستند. کشاورزان بطور کلی بیسوادند. در بین زنان فقط ۱۵ درصد سواد دارند. در گذشته روستا کلاس اکا پر هم داشته که الان ندارد.

مهاجرت: در ۱۵-۱۰ سال اخیر حدود ۱۵ خانوار بطور جمعی مهاجرت کرده‌اند که کشاورزان فقیر بوده‌اند. علت مهاجرت، فقر و گرفتاریهای مالی بوده. مهاجرین به رشت و تهران رفته‌اند. علاوه بر آن، حدود ۵۰ نفری از جوانان ده نیز به شهرها مهاجرت کرده‌اند. مهاجرین زمینهای خود را اجاره داده‌اند و در حال حاضر در شهر کارگری میکنند و در کارخانه‌های صنعتی و فعالیتهای ساختمانی بکار اشتغال دارند.

فعالیت و تولید: فعالیت عمده روستا کشاورزی (زراعت و دامداری) است با اضافه‌ای مقداری حصیر بافی که محدود به ۵-۴ کارگاه خانگی و در حد خود کفائی می‌باشد.

ده، یک کارخانه برنجکوبی هم دارد که به یکی از کشاورزان تعلق دارد که به اتفاق یک کارگر آن را می‌گرداند.

درده فقط یک نفر، دام برای فروش تربیت میکند که آنهم مالک سابق ده است که ۴۰ راس گاو دارد و نگهداری آنها راه کشاورزان واگذار کرده. تعداد دام بقیه کشاورزان بین یک تا ۵ راس است. کل زمینهای کشاورزی ده، حدود ۱۱۰ هکتار است که ۹۰ هکتار آن آبی و ۲۰ هکتار دیم است با اضافه‌ی ۲۰ هکتار زمین بایر قابل کشت که در اختیار مالک است. پنج هکتار از زمینهای ده زیر باغات قرار گرفته.

بجز مالک ده (ارباب سابق) که ۳۰ هکتار زمین در ده دارد بقیه دهقانان هر کدام زمینی بین ۱۰۰۰ متر تا ۲/۵ هکتار دارند و حدود ۵۰ درصد دهقانان زمینشان کمتر از یک هکتار است.

محصولات عمده ده، برنج و توتون است. روستائیان برای کشت توتون از بذر اصلاح شده استفاده می‌کنند. در ده، ۴ دستگاه تیلر وجود دارد ولی ۹۰ خانوار گاوکارند و همه بیل زنی میکنند. ده از نظر تولید در سطح متوسطی قرار دارد ولی روستائیان از نظر مادی فقیر هستند.

منابع اعتباری: منابع تائین اعتبار کشاورزان، بانک کشاورزی، شرکت تعاونی و تجار شهر هستند. میزان وام بستگی به مقدار زمین زیر کشت دارد و به ازای هر هکتار بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان به روستائیان وام داده میشود. در نتیجه، آنهایی که زمین بیشتری دارند وام بیشتری میگیرند. از بین روستائیان تعداد کمی- حدود ۱۰٪ - می‌توانند سر موقع وامشان را پس بدهند. کشاورزان اکثر ارض دار هستند. بهره وام در گذشته ۶٪ بوده که این اواخر به ۳٪ رسیده. جریمه دیر کرد وامها ۱۲٪ است.

روستائیان را دکان خراسان

فئودال مستبد منطقه را، محاکمه و مجازات کنید!

نامه عده‌ای از اهالی «باسمنج»

انقلاب فرهنگی چیست و چگونه انجام میشود؟

بدنیال مدتها بحث و صحبت در مورد انقلاب فرهنگی در هفته گذشته حرکتی وسیع بنام آغاز این انقلاب در بسیاری از شهرهای کشور بر پا شد. حرکتی که بیشتر در غبار بحثهای کودتا و ضد کودتا و جدال بر سر قدرت سیاسی کشور و بحث آزادیهای سیاسی و اجتماعی گم شد و با آشکار شدن عملیات نظامی عمال کاخ سفید در ایران از حدت و شدت تر کاسته شد. لیکن علیرغم اینکه محرک واقعی این حرکت ناگهانی چه بود ضرورت دارد به خود مسئله چنین انقلاب فرهنگی که طبعی تجربه تمرکزش بر روی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بوده است برخورد نمود و کم و کیف آنرا در واقعیت امروز روشن ساخت.

۱- محتوای انقلاب فرهنگی-

از محتوای ابراز نظرهای متعدد مسئولین امور و عناصر غیر مسئول حداقل میتوان ادعا کرد که هدفی مشترک وجود ندارد. رئیس جمهوری کشور انقلاب فرهنگی را به معنای حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش، تمرکز در تولید، تحکیم دولت منتخب بمناب نیروی واقعی اجرائیه کشور، و مبدل ساختن فرهنگ تخریب در دانشگاهها به فرهنگ تولید تفسیر کرده است. عدهای قصد به تصفیه عناصر ناپاک و عدهای دیگر از تطویل دانشگاهها و رفتن به مزارع سخن میگویند. البته هرگاه تعاریف فوق را در رابطه با مبارزه جناحها و نیروهای مختلف، بر سر قدرت سیاسی کشور قرار دهیم، چندان چیز روشن نمیگردد. اما جدا از این درگیریها شاید بجز موردی که انقلاب فرهنگی را اسلامی کردن آموزش و پرورش میدانند، بقیه بطور مستقیم و بلا واسطه محتوای انقلاب فرهنگی را روشن نمیکنند. اما اسلامی کردن آموزش و پرورش چه معنی میتواند بدهد؟ برای این سوال دو جواب متفاوت که صد و هشتاد درجه متضاد یک دیگرند وجود دارد. عدهای آنرا انحصاری کردن آموزش و پرورش و دکتربین حاکمیت مطلق مکتب می دانند و همپای آن تصفیه مراکز آموزش و پرورش از هر فکر و آیهی دیگر را می فهمند. تصفیه یک سری از اساتید، دبیران و آموزگاران و حتی

۲- عوامل فعال انقلاب فرهنگی چه کسانی اند؟

همانطور که تجربه آغاز حرکت انقلاب فرهنگی در ایران و تجارب کشورهای دیگر هم نشان داده انقلاب فرهنگی در درجه اول، بر روی مراکز دانشگاهی و آموزش عالی تمرکز دارد. بنابراین باید دید چه کسانی میتوانند عوامل فعال این

عظیم این دانشجویان از لحاظ طبقاتی جزو اقشار میانی جامعه بوده و از نظر ذهنی علاوه بر ویژگی دانشجو بمناب حساس ترین قشر جامعه، در طول چند دهه گذشته فعالترین سنگر مبارزه علیه رژیم پهلوی و حاکمیت امپریالیسم و عمال آن در ایران بوده اند. بنابراین دانشجویان کشور در مجموع خود به استثنای مثنی کوچک که بصورت عوامل دوابر قدرت و عمال آنها در آمده و علاوه بر جنبه های سیاسی بصورت عاملین فرهنگی دشمنان استقلال کشور نیز در آمده اند جزو نیروی فعال این نهضت فرهنگی کنونی میتوانند و باید که باشند. اما عدهای متکرر این امرندوبنا بر همان دید انحصارطلبانه معتقدند که تنها عدهای معین از دانشجویان جزو این نیروی فعال بحساب می آیند و بقیه کسانی هستند که باید تصفیه شوند. این دیدگاه باعث منحرف کردن انقلاب از هدف خود و دامن زدن به درگیری های گروهی و فرقه گرایی می گردد. در میان استادان دانشگاهها و مدارس عالی نیز سه استثناء کسانی که عاملین فعال رژیم سابق و در خدمت امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم هستند، باید بسوی نیروی فعال انقلاب فرهنگی گشاده شوند. بخشی از آنان در دوران طاغوت نیز جزو مبارزین بودند و بخش دیگرشان که فعال نبوده اند را باید به نیروی فعال تبدیل کرد تا تخصص و توانائیشان را در خدمت ایجاد یک فرهنگ اسلامی راستین بکار اندازند. در اینجا نیز بازم معیار ناپایدیه هیچ وجه مکتبی بوده و هرکه را که دارای عقاید مکتبی بغیر از اسلام است بیرون ریخت. چرا که این امر هم همان ادامه خفقان فرهنگی و تفتیش عقاید است و بهمان درگیری های گروهی می کشد. علاوه بر اینها انقلاب فرهنگی باید عظیم ترین جنبه متحد روشنگران کشور را با معیار خدمت به هدف و محتوای انقلاب فرهنگی بدانگونه که قبلا ذکر کردیم، برگرد هم آورد.

۳- شیوه انقلاب فرهنگی

آنجا که مسئله عقیده و فکر مطرح است زور و قلدری نمیتواند حلال مسئله باشد. بازور نمیتوان

جانش در خدمت مقاصد فئردی و گروهی کسانی است که دنبال قبضه کردن قدرت اند. نتیجه اش تبدیل انقلاب فرهنگی به صحنه تصویحسابهای گروهی است و بس. برقراری سمینارهای متعدد و جمع آوری نظرات متخصصین فن و سر انجام تدوین شیوه های مشخص صحیح که اکثریت وسیع روی آن متحد شوند راه درست و صحیحی است که باین انقلاب خدمت می نماید.

۴- زمینه انقلاب فرهنگی.

زمینه این انقلاب، صحنه های مختلف اجتماعی اند. اما اکنون بیش از هر چیز بر روی مسائل آموزشی و بویژه آموزش عالی تمرکز یافته است. در اینجا دو عنصر دیگر آموزش عالی که قبلا گفتیم یعنی سیستم آموزشی و محتوای آموزش مطرح می باشند. که بیش از هر مسئله دیگر در آموزش عالی این دو قسمت باید مورد توجه قرار گیرد. این دو قسمت در دوران طاغوت بارها دستکاری شده است تا بیشتر در خدمت نظام وابسته قرار گیرد. سیستم آموزشی به ارث مانده هدف خود را کسب مدارک تحصیلی جهت کسب شغل های مناسب و درآمد های زیاد قرار داد. این سیستم همانند حلقه ی بسته ای هر سال کمتر از ۱۰ درصد در تحصیلات عالی را به درون خود آورده و هر سال بر تعداد کسانی که از تحصیلات عالی محروم می ماندند اضافه می نمود. علاوه بر این نکات و دهها نکته منقسی دیگر این سیستمی بود که می بایست وابستگی اقتصادی و فرهنگی کشور را محکم کند و از اینرو باید دگرگونی جدی یابد.

محتوای سیستم آموزشی عالی نیز با تکرار مکرر مسائل کهنه و یا کبیه نظرات و تجارب غرب و شرق بدون تلفیق با شرایط ایران تشکیل می داد. در حالیکه محتوای آموزش عالی باید چه در زمینه علوم نظری و چه تجربی بهترین دستاوردهای موجود را بر مبنای نیازهای کشور در خدمت استقلال اقتصادی، تکنیکی و فکری بکار گیرد، حیظه کار خود را به تقلید کورکورانه محدود نموده است. در این زمینه نیز بر مبنای آنچه حزب رنجبران بمناب محتوای فرهنگی انقلاب طرح کرده باید تغییرات

رپرتاژ از آئن من گام خبر نگار فرانسوی

در افغانستان اشغال شده ۴

در ادامه رپرتاژ خود آئن من گام میگوید: دوامر زیر نشاندهنده اینست که مقامات "قانونی" از پشتیبانی مردم محرومند: اول اینکه ما توانستیم باتاگسی واز طریق جاده از کابل به منطقه ای بیاتیم که گاملا از کنترل دولت خارج است و دوم اینکه این منطقه که مرزی نیز با پاکستان ندارد دره ۷ کیلومتری پایتخت قرار دارد.

باتاگسی درجاده

بدین ترتیب مایکروز صبح از کابل خارج شدیم و بسوی جلال آباد، پایتخت استان رهسپار شدیم، این جاده از لحاظ مبادلات بین افغانستان و پاکستان و نیز مبادلات بین کابل و شهرستانها نقش محوری دارد. ما از لارنام واقع در ۱۲۰ کیلومتری پایتخت رد شدیم که تحت محاصره مجاهدین قرار داشت: تیراندازیهای شدید حاکی از شدت درگیریها بود. نزدیک ظهر به جلال آباد رسیدیم، در آنجا شاهد تشنجی بمراتب شدیدتر از کابل بودیم و این علیرغم اینکه حضور سربازان روسی مشهود نبود، سربازان روسی بنابه گفته اهالی در یک پادگان بسر میبردند.

در جلال آباد مایکساعت بنابه شایعاتی که در شهر رواج داشت و حاکی از آن بود که مجاهدین جاده را سد خواهند کرد منتظر ماندیم. سپس با یک تاکسی به دیدن کابل رفتیم. راننده تاکسی زیاد از این امر راضی نبود زیرا که هم اکنون دولت باند های غارتگر اجیر کرده تا حملات غافلگیرانه انجام داده و به غارت و کشتار درجاده ها دست زنند. این باند ها میگویند از این طریق مجاهدین را بی حیثیت کرده و اینطور نشان دهند که آنان غارتگرانی بیش نیستند. خطر درگیری با این باند ها زیاد بود ولی ما شانس آوردیم. بالاخره مایه یکی از موانعی که مجاهدین دره ۷ کیلومتری کابل کشیده بودند برخوردیم. آنان جاده ای را که به پایتخت متصل میشد در کنترل کامل خود گرفته بودند. ساعت سه بعد از ظهر بود.

با دیدن ما مجاهدین تصور کردند که ما مستشاران روس هستیم. کمی ترسیدیم زیرا که در چنین مواردی کوچکترین اثری از ترحم بجشم نمیخورد. ما همچنانکه در محاصره افراد مسلح بودیم از ماشین خارج شدیم. ۲ نفر از آنان ما را با اسلحه هدف گرفته بودند. ما را با شدت عمل به طرف بستر رودخانه ای که در کنار جاده بود بردند. در طول این لحظات سخت ما توانستیم به سازماندهی خوب مجاهدین پی ببریم. کسانی که در کنار جاده بودند توسط گماندوهای محافظت میشدند و اینان در اطراف تپه ها آنچنان مستقر شده بودند که میتوانستند منطقه را در صورت حمله احتمالی ارتش شوروی یا افغانستان تحت کنترل خود بگیرند. ما حدود ۱۰۰ مجاهد را که در مناطق مختلف مستقر بوده تحت کنترل یک فرمانده حدودا ۳۰ ساله قرار داشتند، تشخیص میدادیم. این فرمانده مسئولیت عملیات روزمره کنترل کننده جاده و حملات احتمالی گه هفتاد، گه هشتاد، اعمده داشت.

دانشجویان از این مراکز بصرف داشتن افکار و عقاید دیگر بجز اسلام حاصل این برداشت است. اما این انقلاب فرهنگی نیست، این برقرار کردن خفقان فکری و تفتیش عقاید است و چیزی جز تلاش در همان برقراری فرهنگ آریامهری و خفقان میهن زیر پوشش اسلام نمی باشد. جواب دیگر از انقلاب فرهنگی اسلامی در مراکز آموزش نمونه مکتب امام ششم شیعیان، یعنی امام جعفر صادق را قرار می دهد، مکتبی که در آن صد فکر

انقلاب فرهنگی گردند. از چهار عامل اساسی در آموزش عالی یعنی دانشجو، استاد، سیستم آموزشی، محتوای آموزشی دو عامل اول یعنی دانشجو و استاد میتوانند و باید که بصورت عوامل موثر و فعال انقلاب فرهنگی در آیند. اما چگونه و کدام بخش از آنها؟ بر طبق آمار موجود از سیصد هزار دانشجوی ایرانی نزدیک به دو سوم آن در دانشگاهها و مدارس عالی داخل کشور تحصیل می کنند. اکثریت

مردم را از طرح افکار و نظرات خود منع کرد، با زور و قلندری نمیتوان عقایدی را به اعتقاد مردم تبدیل کرد. در قلمرو فکر و عقیده فرهنگ شیوه و وسیله ای که میتواند بکار رود شیوه و بحث و افتخار است، جستجوی حقیقت از میان واقعیات و نظرات مختلف است. بویژه آنکه انقلاب فرهنگی مورد بحث برای بسیاری از هواداران داغ تراز آتش هنوز روشن نیست چیست. در غیر این صورت یعنی شیوه بکار بردن زور و قلندری نتیجه اش فرار دادن این

اساسی بوجد آورد. در این صورت است که انقلاب فرهنگی میتواند بمجرای صحیح افتاده و از تبدیل شدن به وسیله ای در دست فرصت طلبان سیاسی رها گردد. تنها در این صورت است که این انقلاب به تحکیم انقلاب، ایجاد نظم و وحدت در خدمت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و اتحاد بزرگ ملی، اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی خدمت کرده و از افسانه های گوناگون مصون خواهد ماند.

سرنشینان ماسنه های نادری که از این منطقه میگذاشتند کنترل میشدند و گسائی که "برجی" یا "خلقی" و یا افسران روسی یا افغانی بودند بلافاصله تیرباران میشدند. شورشیان در مورد این افراد قاطعیت زیادی از خود نشان میدهند و کوچکترین رحمی نمیکند. برعکس چنین رفتاری را با افراد ارتش نمیکند بلکه آنان را زندانی کرده و میگویند دلایل مبارزه خود را به آنان بجهانانند. آنان اظهار داشتند که در بیشتر موارد چنین سربازانی به جبهه نبر شورشیان می پیوندند. مانیز خود عملا به زندانیانی برخورد کردیم که اسلحه نداشتند ولی آزادانه در دهکده هایی که بانجا منتقل شده بودند، زندگی میکردند. ما را به عنوان شورویها گرفته بودند ولی خوشبختانه من وتیری گامیون توانستیم خود را به آنها بشناسانیم. اظهار اینکه ما در آوریل ۱۹۷۹ با شورشیان بودیم کمک زیادی بکار کرد. بدین ترتیب ما توانستیم دوباره براه بیفتیم و مدت ۵ روز از تمام مناطق بگذریم. این مسافرت بمآچاره داد که به شهرکازا رسیده وفرمانده (۱) کل مناطق را ملاقات کنیم وی فرمانده محمد حاجی کالی بود. مجاهدین که تحت فرماندهی وی قرار داشتند در تمام مناطق بودند و واقعا از سنبل مختلف تشکیل شده بودند جوانترینشان که ۱۴-۱۵ ساله بود وتازه اولین اسلحه خود را گرفته بود تا پیران ورزیده. همگی عمدتا منشا دهقانی داشتند، بسیار جنگجو و پاک سیرت بودند و بقول معروف همچون ماهیان در آب عمل میکردند.

«هفته نامه بزرگ»:

زبان مشترک زمینداران بزرگ و بوروکراتهای کهنه کار

هفته نامه بزرگ

مالکیت است. این کار مسلما به این مربوط نمیشود که کسی پیل در دست بگیرد یا تراکتور براند. به این حقیقت واقف باید باشد که کشاورزی مثل هر امر دیگری در شعب و فنون اقتصاد تنها احتیاج بعمل ندارد بلکه مدیریت صحیح میخواهد تا نتیجه بهتری عاید سازد وباز هم آقای وزیر این حقیقت را شما باید بدانید امروز روز بکار بردن ماشین است. والا از پیش تقسیم زمین و بچوش آوردن دیگهای طمع و برای انداختن تبلیغات، هیچگاه کشاورزی مملکت بحد خود کفانخواهد رسید.

و. باز خود دانسته شنیده اید که کشاورزان خرده پا در همه ممالک مترقی و حتی در حال رشد جهان از کشاورزی دست میکشند. و یک کشاورز بزرگ میتواند با عده معدودی صدها برابر از کشاورزی کوچک و صدها برابر افراد کشاورز و کارگر برابری نماید و از آن هم تجاوز کند. برای این کشت، کشتکار باید تراکتور گاواهن ماشین تسطیح (لند لولر) شیارکننده (کراپتواتور) دیسک، بذر ماشین، نه رکن، مرز بند ماشینهای آبیاری، مانند چاه و موتور و کمپاین در اختیار داشته باشد. آقای وزیر محترم. از خود سؤال بفرمائید اقتصاد کشاورزی که برای آن در ممالک پیشرفته سالها باید تحصیل کرد تا دکتر گرفت چگونه میشود در مملکتی استوار شود و بر طبق اصول پیاده گردد وقتی سر رشته آن بدست کسی داده شود که معلوم نیست از کجا یک شبه استاد شده است و بر اثر اصلاحات ارضی رژیم طاغوتی گذشته که زمینها را بکار کرد و به قطعات کوچک در آورد و کشاورزان را

بدون علم امکان بکار بردن ماشین رها کرد وبخاطر عدم امکان بکار بردن ماشین سرانجام نتیجه چنان شد که سطح تولید کشاورزی یکسره سقوط کرد و مملکتی که با همان سیستمهای ناپسند خلقی قوت لایموت خود رانتهیه کرد. عجب آنکه دوباره همان کسی که بناحق سیاست کشاورزی و علم اقتصاد کشاورزی را در ایران به او سپرده اید از نوزمه تقسیم ارضی و به اصطلاح طاعات اصلاحات ارضی با برنامه اسلامی و تعبیرات نابجا و برداشتهای ناروای شخصی سر میبدهد.

اصولا مساله فئودال وسینه جاک کردن برای دهقانان مطلقا با واقعیت وفق نمیدهد بطور علی الاطلاق هیچ فرد کشاورزی در ایران نیست که روی زمین خود کار نکند. در حقیقت این کشاورزان مکانیزه کار بودند که تاحدی علم و تکنیک جدید را به روستاها بردند و اکنون در صدد هستند آنها را از بین ببرند؟ حقیقت این است که تمام زمینهای مملکت تقسیم شده و کشاورزی خرده پاسود نمیکند نه در اینجا و نه در هیچ کجای جهان. این حقیقت را باید به جنابعالی و اطرافیانتان تذکر بدهیم که تنها و فقط تنها آن قسمتی از زمین های کشاورزی این مملکت که با اصطلاح قانون اصلاحات ارضی طاغوتی شق تقسیم شده و کم و بیش باز بدست همان مالکان قدیم و کشاورزان واقعی امروز افتاده است و دارای مدیریت صحیح است و ماشین آلات و سرمایه و فکر علمی و تدابیر اقتصادی در آن به هم آمیخته و بمورد عمل گذاشته شده و محصولات کشاورزی این مملکت را کم و بیش تولید مینماید. اصلاحات ارضی که شما امروز بابلندگویی تبلیغات و کارشناس

عالیقدر خود می خواهید دوباره به حقوق ملت فروریند این سلسله را به هم زد و کشاورزی و دامداری را به وهریرنامه ای برای کشاورزی ایران می خواهید تهیه کنید، بامهندس مجرب و کشاورزان حقیقی مشورت کنید که باز بقایای این کشتی طوفان زده مابه دست شما در دریای فقر و بدبختی و قحطی غرق نشود. این نقول قولهای تماما افاضات به اصطلاح کشاورزان اصفهان بود به آقای وزیر کشاورزی. در مقاله دیگر همین هفته نامه، شورای کشاورزی شهرستان قم نامه سرگشاده ای به رضا اصفهانی فرستاده و مدعی شده است:

بدانید که ما زمین دار بزرگ نبوده و در سمت کشاورزی جزء از زبان کشاورزان سخن میگوئیم. کنفرانس ومصاحبه جنابعالی چنان عکس العملی در میان کشاورزان و روستاها بوجود آورد و چنان آتشی افروخته که هیچ کشاورزی از سوزش آن درمان نمانده. بدانید که ۹۹۹۹۹۹۹۹۹ هزار کشاورز خرده مالک و ۳۰۰۰۰۰۰۰ هکتار زمین دارند. برای خاطر یک در ده هزار عمده مالک همه کشاورزان را به باد تهمت و افترا گرفتن و بیاناراحت و نگران کردن با اصول اسلام مطابقت دارد. . . . این شرط انصاف است که زندگی و آسایش ۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹ هزار رابهمخاطره بیندازید. چرا موتور آلات کشاورزی و لوازم یدکی وارد نمیکنید؟ از مجموع این دو مقاله نکات زیر رامیتوان استنباط کرد

بانگداشیر زیر بمب

مادرراه کارا از دهکده بانگداشیر گذشتیم. این دهکده هفته گذشته بمباران شده بود و تقریبا تمام خانه های آن تخریب شده بودند. مردان مجبور شده بودند از گاه گل خانه های خراب شده رادوباره بسازند، زنان و کودکان در غارهای طبیعی در کوهها بسر برند، آنان بهیچوجه در دهکده زندگی نمیگردند، زیرا از بمبارانهای مکرر درهراس بودند زیرا که ۲۴ یا ۳۴ هلیکوپتر با ۸ راکت هر کدام قادر بودند قربانیان زیادی بجای گذارند. گاهی، در حملات هوایی مردم به مساجد پناه می بردند زیرا بنا بر اعتقادات آنان الله از آنها حمایت میکرد و تنها جایی که میتوانستند در آن خود را مصون بدارند مساجد میدانستند، این مساله رامادر آوریل گذشته نیز درخاتون مشاهده کردیم. ولی باید دید آیا این فرصت را می یافتند زیرا که هلیکوپترها به سرعت بروی دهکده میرسیدند و در چنین حالتی در هر صورت ارزش پناهندگی مساجد بسیار محدود بود. مانوانستیم تعداد کشته شده های دهکده را پس از بمباران تخمین بزنیم ولی بوضوح دیده میشد که تمامی دهکده در عزاداری رفته بود. و مجاهدینی که ما را همراهی میکردند حاضر نبودند حتی برای صرف چای و آب استراحت در آنجا توقف کنیم. زیرا آنان معتقد بودند در چنین شرایطی مناسب نیست که چیزی از مردم دهکده بخواهیم، دهکده ای که خانه های تخریب شده، سوراخهای ایجاد شده در اثر بمب وغیره حاکی از تلاشی کامل آن بودند.

خطر بمباران هلیکوپترها

در تمام مدتی که راه میرفتیم، بارها بصورت منظم هلیکوپترهایی از بالای سر ما عبور میکردند. در برخی مناطق کوهستانی کساله ای از نظر پنهان شدن وجود نداشت ولی پس از آن از مناطق صحرایی عبور کردیم در این مناطق با سرعت سرسام آور تحت فرماندهی مجاهدین حرکت میکردیم. مجاهدین باین ترتیب میخواستند از خطر حمله هلیکوپترها مصون بمانند. آنان در برخی از مناطق اثرات بمب های پرتاب شده در روزهای قبل را بمان نشان میدادند و خود از مناطقی که در آنها دهکده وجود نداشت عبور میکردند و این بدلیل اینکه شناسایی نشوند. تنهائیس از ۲ روز راهیمایی مشقت بار و بهمراهی همراهان خود توانستیم تا ۳ هزار متر بالا برویم ولی هنوز به کارا نرسیده بودیم. کارا در منطقه ای قرار داشت که برف در آنجا ننشسته بود و از لحاظ اهمیت نقش بخش شهرستان را داشت. در این شهر حدود یک ماه قبل در زانویه بر خوردهای بسیار شدیدی رخ داده بود.

۱- طبق اظهارات آلن منگام، "فرمانده" معمولا رئیس سنتی قبیله است. گاهی هم چنین نیست وفرمانده در نتیجه رشادت نظامی خود به این درجه ارتقا یافته است ولی به هر حال به خانواده رئیس قبیله تعلق دارد.

۱ ادامه دارد



بیانیه خیوسامفان بمناسبت پنجمین سالگرد تأسیس دولت کامبوج

۲۸ فروردین امسال پنجمین سالگرد آزادی بنوم پین از یوغ امپریه یالکستهای امریکائی بود. بمناسبت چنین روزی سران کشورهای مختلف از جمله پاکستان، کره شمالی و چین تلگرامهای تبریکی به خیوسامفان رئیس شورای دولتی ونخست وزیر کامبوجیای دمکراتیک ارسال نمودند. روز ۲۹ فروردین (۱۸ آوریل) خیوسامفان بیانیه‌ای درمورد اوضاع کنونی کامبوج صادر نمود. در این بیانیه وی بابررسی جنگ آزادیبخش خلق کامبوج بر علیه متجاوزین ویتنامی از کلیه نیروهای مترقی جهان طلب گسترش پشتیبانی از این مبارزات را مینماید. در زیر بخشهایی از این بیانیه را میآوریم.

این واقعیت که کامبوجیای دمکراتیک هنوز استوارانه پایرجا مانده است، مایه افتخار و سرافرازی همگی ما میباشد و نشان دهنده این است که تجاوزگران ویتنامی از نقطه نظر استراتژیک شکست تلخی خورده اند.

اهدافی که دارودسته لهدوان برای فصل خشک (فصل باران کم) امسال در سر میبروراندند کاملاً شکست خورده است. ویتنامی‌ها نه تنها نتوانستند کامبوجیای دمکراتیک را نابود سازند و نه تنها نتوانستند شعله‌های مبارزات قهرمانانه خلق کامبوج را خاموش سازند بلکه بهیچ وجهی نیز قادر نشدند غرور و احساس ملی ما را درهم بشکنند.

فصل بارندگی‌ای که در پیش داریم هم برای ما مهم برای دشمن یک نقطه عطفی خواهد بود. در واقع ما میباید تا آنزمان بر مشکلات خود

عبر غم توطئه‌های دستگاه‌ها و بنگاه‌های تبلیغاتی ابر قدرت روسیه، جنبش پشتیبانی از تحریم بازی‌های تابستانی المپیک مسکو هر روز قشور بیشتری می‌یابد. تاکنون بیش از ۴۰ کمیته المپیک کشورهای جهان مخالفت خود را با اعزام ورزشکاران به مسکو

کمیته ویژه تحقیق در مورد دنیا زمندهای سلاحهای هسته‌ای با برد زیاد در امریکا ساختن یک راکتور مولد سه میلیارد دلاری را جهت تهیه فرآورده‌های هسته‌ای که در کلاهک‌ها و بمب‌هایی که در دهه سالهای ۱۳۷۰ به کار برده خواهد شد توصیه کرده است.

این کمیته در توصیه خود برای ساختن این راکتور جدید روشن ساخت که مسابقه سلاحهای هسته‌ای احتمالاً در قرن بیست و یکم نیز ادامه خواهد یافت. راکتور جدید اولین راکتوری است که برای مقاصد تسلیحاتی در ۲۶ سال گذشته ساخته میشود و بسا ساختن آن گام بزرگی در مدرنیزه کردن مجموعه تسلیحات هسته‌ای قدیمی میباشد.

کمیته همچنین پیشنهاد کرده است که یک برنامه پانصد میلیون دلاری جهت افزایش و بهبود تجهیزات تولید بمب‌های هسته‌ای در سراسر کشور اختصاص یابد.

در حال حاضر ایالات متحده امریکا دارای سه راکتور در ناحیه "ساواناریو" میباشد که تا دوسوم ظرفیت خودکار میکنند. این راکتورها پلوتونیوم و تریتیوم لازم را جهت بزرگترین برنامه اسلحه سازی که امریکا در بیست سال گذشته در پیش گرفته است تولید میکنند.

در شش سال آینده امریکا

زرادخانه هسته‌ای آمریکا گسترش می‌یابد

در نظر دارد کلاهک‌های جدیدی را برای موشک‌های قاره‌پیمای بالستیک بنام "مینوت من - ۳" که در روی زمین کار گذاشته میشوند و موشک‌های استراتژیکی بنام "تریدنت - ۱" که بر روی زیردریائی کار گذاشته میشوند تولید کند.

این موشک‌ها شامل یک موشک "لانسی" با برد کم، یک موشک "کروز" هوا به زمین، یک بمب جدید هسته‌ای تاکتیکی، بمب جدید هسته‌ای استراتژیکی و موشک "پرشینگ" با برد زیاد و موشک "گروژ" زمین به هوا که هر دو در اروپا کار گذاشته میشوند میباشد.

علاوه بر این کارهای مهندسی کلاهک‌های نوع "ام - ایکس" مربوط به موشک‌های قاره‌پیمای بالستیک و یک توب هسته‌ای بقطر ۸ اینچ متعلق به آتشبار با تمام رسیده است.

افزایش تولید سلاحهای هسته‌ای و مدرنیزه کردن آنها در امریکا رابطه مستقیم با تشدید رقابت دو ابر قدرت در مسابقه تسلیحاتی و افزایش روزافزون خطر جنگ جهانی جدید است. رقیب ابر قدرت امریکا یعنی سوسیال امپریالیسم روس در سالهای اخیر نه تنها بر مقدار سلاحهای هسته‌ای خود افزوده است بلکه دقت هدف گیری و کاربرد آنها را نیز بهبود بخشیده است.

ورزشکاران افغانی استمداد می‌طلبند

بیشتر ندارد عضو تیم ملی بسکتبال افغانستان و بازیکن خط حمله میباشد. وارساگرد اوائل ماه فروردین با توافق یک بسکتبالیست دیگر عضو تیم ملی از کابل فرار کرده و بسا گذشتن از کوه‌های مرزی پر از

دارم، آنها حاضر به رفتن نیستند و خواهان تحریم بازی‌های تابستانی میباشد. مفهوم المپیک، صلح برای تمام ورزشکاران است. ولی میهن ما مورد تجاوز روسها قرار گرفته است.

شد. در نتیجه بازیکنان دیگر نیز در حال فرار هستند. چهار بازیکن از تیم ۱۲ نفری بسکتبال تاکنون کابل را ترک نموده‌اند و در راه پاکستان میباشد، مابقی هم در هفته‌های آینده فرار خواهند نمود.

آدهام وارساگرد بسکت

رویدادهای اقتصادی

دولت باید قراردادهایش را با شرق فاش کند

۴۵ مرد می‌پرسند که آیا امضای اینهمه قرارداد با شرق زیر پا گذاشتن شعار نه شرقی، نه غربی نیست؟

بزودی نهمین اجلاس وزیران اقتصاد ایران و شوروی در مسکو برگزار میشود. برگزاری این اجلاس بمنظور امضای قراردادهای اقتصادی برای افزایش حجم معاملات بازرگانی دو کشور خواهد بود. در چند هفته اخیر چندین هیئت اقتصادی و سیاسی بین ایران و اروپای شرقی در رفت و آمد بوده‌اند و در چندین مورد حتی قراردادهای مهمی هم امضا شده است. اخیراً ایران یک دفتر بازرگانی جدید در وین گشوده است که به امور بازرگانی با اروپای شرقی خواهد پرداخت. در عین حال تاکنون کشورهای لهستان، چکسلواکی، آلمان شرقی و بلنارستان برای صدور محصولاتشان و خرید نفت ایران موفق شده‌اند مقامات ایرانی را به پای امضای قرارداد بکشانند.

وعتی که رابطه با امریکا قطع شد و محاصره اقتصادی بشکل جدیتر از پیش مطرح شد، همگان بر این عقیده بودند، که دولت با پیروی از اصل اتکاء به نیروی خود و بسا در نظر داشتن مضمون اصلی انقلاب اسلامی یعنی "نه شرقی، نه غربی"، با تکیه به نیروی عظیم و تاریخ ساز توده‌ها و بسا بسیج همه امکانات مثبت و سازنده قدم به میدان مبارزه علیه تهدیدات و تجاوزات ابر قدرت‌ها خواهد گذاشت. اما خیلی زود معلوم شد که جناحی در حکومت پر جناح ایران، زانوهایش در مقابل فشار و وعده‌های سوسیال امپریالیسم ست شده و دهانش آب افتاده است. اینان که به نیروی شگرف توده‌ها باور ندارند، از وحشت عواقب محاصره اقتصادی امریکا دارند به آغوش شوروی میروند.

در عین حال مردم می‌پرسند که آیا گرایش کنونی دولت به "شرق تجاوزگر" مقدمه جانشینی شوروی به جای امریکا در میهن ما خواهد بود؟

مردم می‌پرسند که اگر دولت واقعا دارد از موضع استقلال رابطه‌اش را با شرق گسترش میدهد و اگر ریگی به کفش ندارد چرا ملت را در جریان این قراردادها قرار نمیدهد و فقط به ذکر کلیات اکتفا میکند، کاری که حتی مفایر قانون اساسی جمهوری اسلامی است!

مردم در ضمن می‌پرسند که ایران در مقابل چه امتیازاتی به ابر قدرت روس و اقمارش میدهد؟

نگاهی به قراردادهای اخیر، هر چند که در سطحی بسیار کلی و نارسا بیان شده‌اند، نشان میدهند که ایران مجبور است شیرهای نفت و گاز خود را بروی روسیه و کشورهای تحت نفوذش باز کند. مثلاً در مذاکرات اخیر معاون وزارت بازرگانی ایران با مقامات چکسلواکی قرار شد که این

با اعلام نمودن و ورزشکاران به مسو
اعلام نموده اند.
اینبار صدای حق طلبانه
تحریم المپیک مسکو از قلب
ورزشکاران افغانی کشورخون
و شمشیر بلند شده است. ورزش
کاران افغانی از کلیه
ورزشکاران و ورزشدوستان
جهان استمداد طلبیده اند و
از آنها خواسته اند که در این
بازیها شرکت ننمایند.
مجله "اقتصادی خاور
دور" در شماره ۱۱ آوریل
امسال خود گزارشی دارد از
آدها و آرساک ورزشکار پنهان
افغانی. و آرساک که ۲۰ سال

حدسن از جوهرهای مرزی پر از
برف افغانستان خود را به
پیشاور (پاکستان) رسانده
است. آدها و آرساک در یک
مصاحبه مطبوعاتی در پیشاور
احساسات عمیق استقلال طلبانه
ورزشکاران افغانی را اینطور
بیان میکنند:
رادیوی افغانستان
دروغ بسیار بزرگی را در
برنامه های پیش اعلام کرده است.
رادیوی افغانستان گفته
است که کلیه ورزشکاران
افغانی آماده رفتن به مسکو
میباشند. ولی من پیامی از
تمام ورزشکاران افغانی

روسها فرار گرفته است
خون در همه جا جاری است. ما
چطور میتوانیم بکشوری برویم
که مردم میهن ما را قتل عام
میکنند. ما از تمام ورزشکاران
جهان میطلبیم که بازیهای
المپیک را تحریم کنند.
تقریباً کلیه ورزشکاران
افغانی از ایده تحریم المپیک
پشتیبانی میکنند. اگر ورزش
کاری حاضر به رفتن نباشد
به ارتش فراخوانده میشود
یا جابجا از طرف دولت کشته
میشود. بنا بر این اگر ورزشکار
ان در کابل باقی بمانند
زور به مسکو برده خواهند

آدها و آرساک بسکت
بالیست افغانی در مصاحبه
مطبوعاتی خود همچنین مطرح
نمود که روسها ورژیم بزرگ
کارمل برای حفظ آبرویشان
مصمم هستند که بهر نحوی که
شده تعدادی بازیکن افغانی
را به المپیک مسکو ببرند.
برای هرتیم فوتبال، بسکت
بال و کشتی که قرار است به
مسکو برده شوند ۲ مربی روسی
تعیین شده و کلیه مخارج سفر
و هزینه زندگی ورزشکاران را
به مسکو تامین خواهد کرد.
بدرخواست ورزشکاران
افغانی جواب مثبت دهیم.

کشور به ایران کالاهای سرمایه ای و تجهیزات حفاری بفروشد
و در مقابل ایران قرارداد فروش گاز را که در زمان شاه
مخلوع به سال ۱۹۷۷ امضاء شده بود برسمیت بشناسند.

انگیزه های شرق تجا وزگر

چرا شرق تجا وزگر مایل به گسترش روابط با ایران
میباشد؟ ملت ایران خوب میداند که شوروی، یک ابرقدرت
امپریالیستی است. ملت ایران خوب میداند که سلطه گری از
برجسته ترین ویژگیهای امپریالیسم است. در نتیجه ملت
ایران خوب میداند که شوروی و یارانها از گسترش رابطه با
ایران هدفی جز سلطه گری و غارت و چپاول میهن ما ندارند.
شوروی، اما یک کشور امپریالیستی معمولی نیست. یک
ابرقدرت امپریالیستی است. انگیزه شرق تجا وزگر از
گسترش روابط با ایران، زمینه جینی برای بلعیدن میهن
ماست.

اگر ابرقدرت روس بتواند جای خالی آمریکا را در
ایران پر کند گام مهمی در جهت تحقق استراتژی خود مبنی
بر سرکردگی و سیادت بر جهان برداشته است. در عین حال
سوسیال امپریالیسم شوروی و متحدینش، مایلند که تا جایی
که میتوانند کالاهای خود را در بازار ایران آب کنند و
در مقابل اجازه رسمی برای غارت منابع انرژی کشور ما
دریافت کنند. زیرا بزرگترین مسئله اقتصادی که کشورهای
اردوی شوروی با آن دست به گریبانند، مسئله انرژی است.
بطوریکه در اجلاس تابستان گذشته کومکون بیشترین وقت
را بحثهای مربوط به انرژی گرفت.

کشورهای اقمار شوروی ۹۰ - ۷۵ درصد نفت خود را از
روسیه میخرند، اما خود روسیه پس از سال ۱۹۸۱ میزان
تولید نفتش کاهش مییابد. بگزارش آسوشیتد پرس، چندی
پیش نخست وزیر چکسلواکی صریحا اعلام کرد که مقامات
شوروی به او گفته اند در سال آینده انتظار افزایش در
میزان صادرات نفت روسیه به این کشور را نداشته باشند.
شوروی علاوه بر اینکه بر بهای نفت صادراتی به کشورهای
متحد خود در اروپای شرقی افزوده است به آنها اعلام کرده
که باید برای سالهای آینده بدنبال خرید نفت از کشورهای
دیگر باشند. درست بهمین دلیل، یعنی بدلیل عطش شوروی
و اروپای شرقی به نفت و گاز ایران است که این سالها
حاضرند تا آنجا که میتوانند به ایران "کمک" کنند مادر
مقابل ایران تضمین بکنند که تا ۱۰ سال به آنها نفت و گاز
بفروشد.

اما یک واقعیت را نمیتوان از نظر دور داشت و آن
اینکه شوروی و اروپای شرقی از بسیاری لحاظ نمیتوانند
در زمینه اقتصادی جای غرب را در ایران بگیرند. اولاً آنها
دارای چنان تکنولوژی پیشرفته و تنوع محصولاتی نیستند که
بتوانند بسیاری از مواد اولیه و وسایل یدکی واحدهای
اقتصادی ایران را که در رابطه با غرب شکل گرفته اند
تامین کنند. در عین حال در این روابط تجاری اگر شرق
بخواهد معامله پایایی کند، بنا به بسیاری از دلایل
و از جمله عدم توانایی در سازماندهی این مقدار اضافه
تولید که مورد نیاز ایران است، به مشکلات بزرگی بر
خواهد خورد و اگر نخواهد معامله پایایی کند، در مورد
خرید نفت ایران، این کشورها ارزش لازم را در اختیار
ندارند. در نتیجه از جهتهای فنی و مالی، این معاملات
از محدوده خاصی فراتر نخواهد رفت. اما این بدان معنی

بقیه در صفحه

افشای دوا بر قدرت و خط مشی حزب رنجبران ایران

بنام خدا

چطور و با چه امکاناتی؟ مثلاً
اگر بخواهیم دریکی از زمینه های
اقتصادی از جمله کشاورزی
پیشرفتی داشته باشیم و خودها
بشویم، چه چیز برای کشاورز
از دوران رژیم شاهنشاهی
باقی مانده است جز یک بیل
و یک گا و آهن که این هم امروز
در دنیا چیزی جز مسخره نیست.
دوم اینکه قرار بر این بوده
است که نه کشاورزان و دام بدهند
تا کشا و ورزیتوانند قدرت اجرائی
و پشتوانه کار را داشته باشند.
سوم اینکه آن وعده وعیدهای
که قبل از دوران انقلاب به
این کشاورزان رحمتکش داده
بودند چه شده است؟ از جمله
اینکه ما برای شما ماشین آلات
کشا و ورزی میفرستیم و زمینهای
با پیری را که مانده است میان
کشا و ورزان بطور عادلانه تقسیم
میکنیم.

آقای رضا صفهانی که
داشت این کار را میگرد جلوی
را گرفتند.
آقای بنی صدر قبل از
اینکه رئیس جمهور شوند همه
اینها را گفتند. اما حالا
نامی از آنها میان نمی آوردند.
هی امام می گویند ما
مثل اینکه در خوابند. کشوری
که هنوز روسایش نتوانستند
سیاست داخلی خود را سر و سامان
بخشند و اینهمه بیکار و نا راضی

" با درود فراوان به
دبیرکل حزب رنجبران ایران"
ضمن سلام. از آنجائی که
دیدید و شنیدید ما شما آزادانه
مطالبی را که خوانندگان این
روزنامه برای شما می فرستند
در روزنامه درج می کنید.
می خواستیم در اینجا چند
نکته ای را که در این برهه از
زمان ملت ما گریبانگیر آن
شده است به سمع شما برسانیم.
یکی اینکه بیشتر احزاب
و سازمانهای سیاسی خط ضد
امپریالیستی دارند و شما نیز
یکی از آن احزاب هستید ولی
هنوز برای من روشن نشده است
که چرا فقط امپریالیسم روس
را می کوبید و از امپریالیسم
آمریکا خیلی کم می گوئید.
دوم اینکه خط مشی شما

معلوم نیست.
این یک طرف مسئله بود.
حال طرف دیگر مسئله را میگیریم
من به عنوان یک خواننده و
جزئی از ملت ایران به این
اصل اعتقاد دارم که باید
با امپریالیسم شرق و غرب
مبارزه کرد. همانطور که
آقای رئیس جمهور بنی صدر
گفتند با ایده ملت ایران کار
و تولید کنند. اما هیچکس
نیست که از رئیس جمهور پرسد

رنجبر و خوانندگان

در جامعه بوجود آورده اند. چطور
می خواهند از وابستگی بیرون
بیایند. اگر فقط با حرف
باشند که این را خیلی شنیده ایم.
حرفهای بسیار برای
گفتن داریم که انشاء الله در
هفته های دیگر برای شما
خواهم فرستاد. متشکرم.

رنجبر - دوست عزیز، نامه
شما را با علاقه و دقت خواندیم.
در پاسخ، تذکر چند نکته را
لازم میدانیم:
اولاً - در مبارزه ضد
امپریالیستی، به شما تذکره
تالیفات ما، خط مشی ما افشاء
و مبارزه علیه امپریالیسم و
بویژه دوا بر قدرت جهان خوار
آمریکا و شوروی است. علت
اینکه ما برای افشای شوروی
اهمیت بیشتری قائلیم همانطور
که همیشه گفته ایم در اینست
که آمریکا را در کشور ما وسیعاً
می شناسند و در سطح جهانی نیز
چهره این امپریالیسم جهان خوار
بخوبی شناخته شده است، حال
آنکه، علیرغم نفوذ وسیع
خط نه شرقی، نه غربی در جامعه
ما، هنوز توهمات تاروشنی های
فراوانی در مورد شوروی موجود
است. بعنوان مثال امضای
قراردادهای عریض و طویل با
شوروی هیچگونه مخالفتی را در

جا مع بر نمی انگیزد و یا سخنان
سفیر ایران در شوروی در توجیه
و تأیید اقدامات ابرقدرت
شوروی هیچگونه مسئله ای را
برای وی بوجود نمی آورد (حال
آنکه مثلاً ملاقات مهندس
بازرگان با برژینسکی در
کنفرانس الجزایر یکی از علل
سقوط وی شد). پس روشن
است که ما وظیفه داریم ابر
قدرت شوروی را بمراتب
بیشتر از ابر قدرت آمریکا
افشاء کنیم تا مدارا جوئی و
انقیاد طلبی نسبت به این ابر
قدرت در جامعه ما رشد نکند.
ثانیاً - در مورد خط مشی
حزب ما، میتوانید به اسناد و
مقالات متعدد نشریات ما مراجعه
کنید. این خط مشی در سه گف
خلاصه می شود و بسیار روشن است:
مبارزه برای استقلال، آزادی
و عدالت اجتماعی. مباد
عین دفاع از حکومت ملی ایران
در مبارزه علیه دوا بر قدرت،
با همه کمبودها و انحرافات آن
بخصوص وقتی حکومت یب
جناحهای آن به سه اصل
بالا بی اعتنائی می کنند و
یا آنها را زیر پا میگذارند،
مبارزه می کنیم.

یادروزیه

در آخرین سپیده دم

نوشته‌ی زیرنا مه‌ای است که یکی از افسران هم سنگر خسرو روزبه قهرمان ملی، بمناسبت سالگرد شهادت او برای "رنجبر" نگاشته است.

"در سپیده‌دمی که بدستور افسر تیرپادگان حشمتیه میدان تیر را با چراغهای زنبوری روشن میکردند، از رفت و آمد غیرعادی که در پادگان حکمفرما بود معلوم میشد که وضع فوق العاده‌ای در پیش است. آنها تیکه میدانستند و یابسه و خامت اوضاع بی برده بودند بهم میگفتند که با یحیای پادگان در پیش باشد و کما ملانیز حدشان صادق بود، چونکه دژ خیمان میرفتند تا تدارک قتل یکی از بهترین، مبارزترین، پیاکترین و شجاعترین فرزندان خداستعمار و فدااستثما را نشان از انسان را فراهم کنند. به دستور فرمانده پادگان وقت و افسر تیرسرتیپ با زنجیره و سرهنگ آن زمان (جاوید پور) آماده باش داده شد. افسری بلند قامت را با صلابت فرماندهی اش وارد میدان کردند، در حالیکه لحظاتی چند به پایان زندگی پرافتخارش باقی نمانده بود. پاسداران خسرو روزبه، این افتخار ارتش ایران را بسوی قتلگاه هدایت کردند. زمانی که خسرو روزبه قهرمان وارد میدان تیر شد ابتدا با سربازان جوخه اعدام خود به احوال پرسی پرداخت. با نفوذ کلامی که داشت در زمان کوتاهی روحیه ما مورین قتل خود را دگرگون کرد و میرفت که تخم شورش و نا فرمانی را در دل مجریان بلا راده قتل خود بکارند. افسر تیر وحشت زده دستور تسریع اجرای مراسم اعدام را صادر کرد و بدین رعایت رویه معموله، دستور آتش داد. بدین ترتیب چراغ عمر قهرمان خلق خاموش شد ولی هر قطره از

حقایق عربیان خواهند شد جا معه ایران روزی را نیز خواهد دید که آزادانه در بارها بنگونه مسایل بحث کند و نظرات خود را ابراز دارد. آن روز چندان دور نیست.

براستی نیز پیش بینی این رادمرد تاریخ مبارزات رهائی بخش ملت ایران چه زود و چه شکوفان به تحقق پیوست و اکنون که غمبول استبداد و استعمار ربه همست والای خلقهای ایران به بند کشیده شده و ملت ایران از قید بندگی و استعمار زدگی رهائی یافته است، به روان شهیدان به خون خفته ملت ایران درودی پایان میفرستیم و شکوفائی زندگی خلق زحمکش ایران را آرزو میکنیم.

خسرو روزبه فردا انقلابی ای بود که با هرگونه اعمال و روش رفرمیستی مخالف بود. او در کتاب اطلاعات کورکورانه در صفحه ۵۸ می گوید: "من حزب توده ایران را اصلاح طلب یا با اصلاح فرانسویها رفرمیست میدانم یعنی حزب توده ایران میخواهد از طریق پارلمان و بتدریج اوضاع ناگوار را بین کشور و ملت بدبخت را اصلاح کند در صورتیکه من شیفته انقلاب هستم و میل دارم که با یک رولوسیون بحساب طبقه حاکمه رسیدگی گردد و انتقام خون میلیونها کسانیکه در نتیجه دزدی و ظلم این طبقه از گرسنگی مرده یا در زندانها جان سپرده اند گرفته شود."

خسرو روزبه در دنیا لاین تفکرو اعتقاد خود را زمان نظمی افسران آزادیخواه را بنیان گذاشت و برای نجات ملت ایران اساس یک سازمان انقلابی که متکی بر قیام مسلحانه و واژگونی بنیاد سلطه گریهاست تا کما جبار باشد، طرح کرده است.

بیشترین گروه اعدا شدگان پس از شکست نهضت ملی زمین این افسران آزادیخواه بود. خسرو روزبه با افکار انقلابی خود، عضویت حزب توده را پذیرفت ولی اساس گردش فکر او بر پایه دگرگونی اوضاع اجتماعی و تکیه بر انقلاب، فرار داشت. سازمان افسران آزادیخواه تحت پوشش هدفهای سیاسی این حزب قرار داشت ولی نقطه نظر های رفرمیستی حزب تحت تاثیر جبری تفکرات انقلابی افسران و کارگران آگاه واقع شد، بطوریکه پس از کودتای امپریالیستی و ارتجاعی ۲۸ مرداد رهبری حزب دستورات تجهیز نیروهای کارگری بکمک افسران را قبول کرد. اما در این دستوراتی که صادر شده بود کلاماً جنبه‌ی عدم اعتقاد کادرهای رهبری بچشم میخورد، از جمله اینکه آموزش نظامی در سطح یک استان، به یک نفر واگذار شده بود و آنهم در هفته‌ای یک نوبت. این کلاماً بی اعتقادی رهبری را نشان میداد که بدون تدارک امکانات وسیع انقلابی جامعه، تجهیز نیروهای آماده و بلاخره فراهم آوردن شرایط قیام مسلحانه در یک یا چند نقطه و وارد آوردن ضربه‌های تعیین کننده، فعالیتها را نظیر ساختن نارنجک یا خرید اسلحه را طرح میکرد. تجربه عملی خلق در قیام شکوهمند ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه نشان داد که چنانچه خلق ب حرکت درآید در موقع لزوم میتوان مخازن اسلحه را در اختیار خود بگیرد، بنابراین مسأله انقلاب کردن به تمرین نظامی و یا یاد گرفتن کاربرد اسلحه خلاصه نمیشود.

زمانیکه رهبران، زبانی در مقابل موجهای کوبنده شده انتقادی قرار می گرفتند بنظر تزه‌های قیام مسلحانه را مطرح میکردند ولی عملاً با اینبند نقطه نظر های رفرمیستی خود بودند. غیر از این هم کارهای آنها ساخته نبود آنها تا زمانیکه در پوشش حمایتی نیروی افسران انقلابی قرار داشتند و احساس خطر جدی نمی کردند زندگی در ایران را بعنوان رهبران

نمودن سازمان انقلابی افسران و ادا رسانختن و سازمان را با تصمیم گیریهای غلط و ناشیانه خود به نا بودی سوق دادند بیکباره متوجه خطر جدی در اطراف خود شدند. آنوقت زندگی در ایران را مخاطره آمیز تشخیص دادند و تزلزل را به طرز رهبری از خارج را مطرح کرده و فرار را به قبول خطر جدی در مقابل رهببری واقعی حزب ارجحانستند و رهبرانی نظیر دکتر مرتضی یزدی - دکتر بهرامی - قریشی و غیره بدام افتادند که ملهیت واقعی خود را در طول مدت زمان زندان نشان دادند. در مقابل این گروه رهبران رفرمیست، خسرو قهرمان با تزانقلابی خود چنین گفت که من رهبری ملتی را قبول کرده‌ام و رهبری جدا از ملت معنی و مفهومی نخواهد داشت بنا براین مسئولیت دفاع از آرمانهای انقلابی را بعهده میگیرم و در ایران باقی میمانم. مرگ در بین خلقهای ایران افتخار آمیز تر از زندگی در بیگانه ملت‌های دیگر است. با این

نظریه چند سالی به مبارزه افتخار آمیز و کوبنده خود پس از فرار کلیه رهبران ادا مهاد، تا اینکه در ساعت ۹ بعد از ظهر روز شنبه ۱۳۳۶/۴/۱۵ در یک قرا ملاقات با علی متقایی بوسیله عظیم‌عسگری تند نویس مجلس شورا و با یگان سابق شعبه اطلاعات حزب شناسائی وبه وسیله ستوان زمانی آنوقت درگیر تیراندازی میشود. خسرو بعلت مخلوط شدن ما مورین با مردم عادی و فرار رسیدن شب نتوانست خون مردم بیگناه بزمین ریخته شود و از تیراندازی خودداری نمود. در جهات آن دوستان و عشق به خلق در این قهرمان نشان میدهد که با فدا کردن جان خود مانع قتل یا زخمی شدن بیگناه و ناشناسی میگردد.

با شده که شهامت اخلاقی و روحیه انقلابی این قهرمان ملی نمونه و سرمشق جوانان پاک سرشت و شوده محروم

چندی قبل بود که شعله اختلافات درون "کانوین" نویسنده‌گان "بالگرفت و بدنبال شدت گرفتن تعارضات، کسانی که تلاش میکردند، تا سیاست های حزب توده را بر کانون تحلیل نمایند از این مجمع اخراج شدند و عده‌ای دیگر نیز بدنبالشان روانه شدند. اخراجی ها اخیراً "نهاده دیگری را با نام شورای نویسندگان در رقابت با کانون نویسندگان ایجاد کرده‌اند تا "رسالت های فرهنگی" را که برعهده شان گذاشته شده! محقق سازند.

جریان اختلافات درون کانون نویسندگان و سپس اخراج این افراد نشان میدهد هرچاکه بو ورنگی از استقلال طلبی موجود است، جایی برای وابستگی به شرق موجود نیست و آنان در این مجامع منفرد و منفور هستند.

بی جای نیست در اینجا از گفتار احمدشاملو و عرو نویسنده مشهور و برکارو یکی از مسئولین کانون نویسندگان در باره حزب توده یاد کنیم چرا که نا مرتبط با این تعارضات نیست. این گفتار از کتاب جمعه شماره ۳۱ مهر عیناً نقل میشود. شاملو (با مهاد) در پاسخ به این سؤال که نظر شما راجع به حزب توده چیست میگوید:

یادداشت‌ها...

«سفر دو جانبه»

مکری سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو، در آخرین روزهای گه مهلت ثبت نام برای شرکت در المپیک مسکو رو به اتمام است، به ایران بازگشته و کتبا از شورای انقلاب تقاضای تجدید نظر در تصمیم خود مبنی بر تحریم المپیک را نموده است. مگری برای این تقاضا "استدلالاتی" مطرح کرده که در جای خود قابل پاسخ گوئی است.

اما چیزی که بیش از خود استدلالات جلب نظر می کند نفس این کار است. یعنی روشن نیست بر چه پایه‌ای وظیفه متقاعد ساختن ایران برای شرکت در المپیک مسکو را مگری برعهده گرفته است. این کار قاعدتاً وظیفه سفیر روسیه در ایران است و بخصوص پایه‌ی این "استدلالات" بگونه‌ایست که نمی توانست از طرف یک ایرانی طرح شده باشد زیرا کاملاً بر تبلیغات عوام فریبانه و قلدرمنشانه مسکواستوار است.

عقل سلیم حکم می کند که سفیر ایران در مسکو بجای اینکه وظیفه بیان خواسته‌ها و انجام آرزوهای کرملین را برعهده بگیرد، موظف است سیاست ایران را برای کرملین تشریح نماید. مثلاً در این مورد مگری وظیفه تفهیم ضرورت خروج قوای روسیه از افغانستان برای مقامات روسی که سرچشمه و موجب تحریم المپیک از طرف ایران است را برعهده دارد. مگر اینکه آقای مگری وظایف دیگری هم داشته باشد که ما از آن بی خبر مانده‌ایم. و بالاخره بعد از یکسال و اندی هنوز برای بسیاری از مردم روشن نشده است که دست آخر مگری دوست مردم ما است یا دوست خرس قطبی؟!

گفتاری از ا. مهاد

چندی قبل بود که شعله اختلافات درون "کانوین" نویسنده‌گان "بالگرفت و بدنبال شدت گرفتن تعارضات، کسانی که تلاش میکردند، تا سیاست های حزب توده را بر کانون تحلیل نمایند از این مجمع اخراج شدند و عده‌ای دیگر نیز بدنبالشان روانه شدند. اخراجی ها اخیراً "نهاده دیگری را با نام شورای نویسندگان در رقابت با کانون نویسندگان ایجاد کرده‌اند تا "رسالت های فرهنگی" را که برعهده شان گذاشته شده! محقق سازند.

جریان اختلافات درون کانون نویسندگان و سپس اخراج این افراد نشان میدهد هرچاکه بو ورنگی از استقلال طلبی موجود است، جایی برای وابستگی به شرق موجود نیست و آنان در این مجامع منفرد و منفور هستند.

تهال آزادی و برهائی خفیه‌های ایران را برومند کرده و به شمر رسانید

سازمان آزادیخواه در قیام خلق آذربایجان و کردستان عینا دیده شد، از آنجا نیکه هیات حاکمه جبار حسانیت و قاطعیت حرکت انقلابی این سازمان را احساس کرد.

وحدت و ...

گروههای سیاسی خواست درستی است، لکن باید تضمین های لازم برای حاکمیت خط درست استقلال طلبانه انقلاب ما را خطی که بنی صدر همواره مدافع آن بوده است، فراهم آورد. اگر رعایت مضمون سیاسی وحدت اصل قرار گیرد، آنگاه وحدت نیروهای استقلال طلبانه تنها در سطح جنبش اسلامی بلکه در سطح وسیعتر ملی گرائی مترقی و حتی سوسیالیسم انقلابی نیز، یعنی در سطح کلیه نیروهای خواهان استقلال کشور آردو ابر قدرت عملی و میسر خواهد بود.

بهر حال، کمونیستها از هر قدم صادقانه ساینیروهای ملی برای تحکیم وحدت خود در مبارزه برای استقلال، استقبال نموده و این قدمها را در ارتباط با منافع پرولتاریا و توده های خلق (یعنی حفظ استقلال، تحکیم دموکراسی و بیسب عدالت اجتماعی) به دقت مورد توجه و بررسی قرار میدهند.

دولت باید ...

نیست که شرق تجاوزگر نمیتواند بر ایران مسلط شود.

آیا ایران زیر سلطه شوروی می رود؟

تاروپود اقتصاد ایران چنان درهم تنیده شده که سرمایه داری دولتی روسیه نمیتواند حداقل به این زودبها بر اقتصاد ایران مسلط شود. اما روسیه هم اینرا میدانند و از اینرو بدنبال این نیست که برای بلعیدن ایران به اقتصاد متوسل شود.

شوروی هم اکنون در داخل، یک جبهه مجرب، کار آزموده و سازمان یافته دارد و با نفوذ اقتصادی، سعی میکنند هر چه بیشتر در حکومت رخنه کنند تا در شرایط مناسب ایران را به باصطلاح "ارودگاه سوسیالیسم" بکشاند.

این ساده اندیشی است که مانند بعضی از مقامات دولتی فکر کنیم که ویژگیهای ساختمان اقتصادی جامعه ما امکان زیر سلطه شوروی رفتن را نفی میکند. آلمان شرقی و لهستان ۲۴ میلیارد دلار در سال ۷۹ به کشورهای غربی بدهکار بودند اما تحت سلطه روسیه و در بسیاری موارد ابزار اجرای سیاستهای تجاوزکارانه روسیه اند. محسود کردن روند تسلط روسیه بر ایران به چهارچوبهای اقتصادی، فقط میتواند بیانگر عدم شناخت از این ابر قدرت جهانخواه شرق باشد.

اما وقتیکه با رهنمودهای نادرست و عملیات چپ گرایانه و ماجراجویانه خود موجودیت سازمان آذربایجان و کردستان را زیرمجموعه فاسد کردن دستگاه سیه را به فکر متلاشی

در حاشیه ملاقات گرومیکو و وزیر خارجه ایران در بلگراد

گرومیکو: فراموش نکنید که ما همسایه شما هستیم وزیر امور خارجه ایران: شما همسایه افغانستان هم بودید!



مرغ همسایه ...

نمیروند و ضد اسلامی و ضد انقلابی و صهیونیستی و مائوئیستی و تروتسکیستی و امپریالیستی خواندن آنها و ایجاد انواع واقسام توطئه ها برای سرکوب کردن و از میان برداشتن همه آنها را خفا مشغول تیز کردن چنگال های خویش است تا در نخستین فرصت ضربه را فرود آورد. موضوع افغانستان یک هشدار است و هشدار دیگر میلیون ها و میلیون ها تومان پولی است که به نام "خرید خانه حزب" صرف تجهیز افراد میکنند.

این ماهیت حقیقی آن آقایان اخلاقی و شریفی است که برای درهم شکستن گانگوان نویسدگان مدام "خط امام، خط امام" میکنند. در حالی که رهبری و نظام حاکم شدیداً "گرفتار مسائل و مشکلاتی است که حتی در غالب آنها هم بر احوالی انگشت کمیته مرکزی حزب توده قابل تشخیص است، وزیرپوش اظهار بندگی به رژیم، شتابان مشغول سربازگیری است و توده های مردم را به هیجاناناطحی فرساینده می کشاند که معمولا "مضامین دست دوم و سومی دارد و بیشتر نمايشی است.

یکی از آنها در مورد درگیری های چندی پیش قم و تبریز، خنده کنان و چشمک زنان به من گفت "در گرفتن مبارزه بر سر قدرت میان نخستین قدرتمندان موضوع کلاسیک پس از هر انقلابی است. در گودال مار، مارها شروع کرده اند به بلعیدن یکدیگر اما نگران این نباش که ما آخرین یک دیکتاتور چینی و چنان از آب درمیآید یانه، چون حزب ما آن با بارها پیش از آنکه به خود اید و هوس دیکتاتوری به سرش بزند روانه عدم خواهد کرد." به او گفتم "نگو حزب ما، بگو اژدهای بزرگی با کلاه خیزی بر سرش و ستاره سرخی بر کلاهش!"

انحصار طلبان ...

چپ نماها و انقلابی نماها خواستار این هستند که یک شبه وابستگی قطع شود و کارها رو برآه گردد و از اینرو زمانی که توده ها برای خواسته های خود مبارزه میکنند با طرح شعارهای انحرافی و حرکت از ذهنیات خود به هر چه و مرج نام میزنند و مبارزات بحق زحمتکش را به کج راه می کشانند تا فقط بمقا صد خود جامه عمل بپوشانند.

در این مرحله انحصار طلبان بزرگترین مانع رسیدن توده های خلق به خواسته های خود و بهبود شرایط زندگی و رشد اقتصاد ملی هستند و از سوی دیگر، چپ نماها و انقلابی نماها در حوال وحوش این مبارزات برای ایجاد هر چه و مرج و منحرف کردن مسیر درست و واقعی این مبارزات سرگرم فعالیت هستند.

حوادشی که در شهرهای

اندیشک، درود، بروجرد اتفاق افتاد با بدبخته زحمتکش ما آموخته با شد که در لحظات مشخص با بدبخته مبارزه برای خواسته های خود را به پیش ببرند، در این مبارزات آنها با بدبخته دیگر اقشار و طبقات خلق متحد

شوند و برنا مه و شعار مشخص خود را طرح کنند تا انحصار طلبان نتوانند در مقابل حقا نیست آن مقاومت نشان دهند و چپ نماها و انقلابی نماها قادر نشوند شعارها و اهداف چپ روانه خود را وارد آن سازند این سمت و سوی مشخص نشان خواهد داد که زحمتکشان بعنوان ستون اصلی انقلاب و پیشبرد استقلال هستند و بدون توجه به خواسته های آنها امر تحکیم استقلال و مبارزه با دوا بر قدرت آمریکا و روسیه میسر نخواهد بود.

